

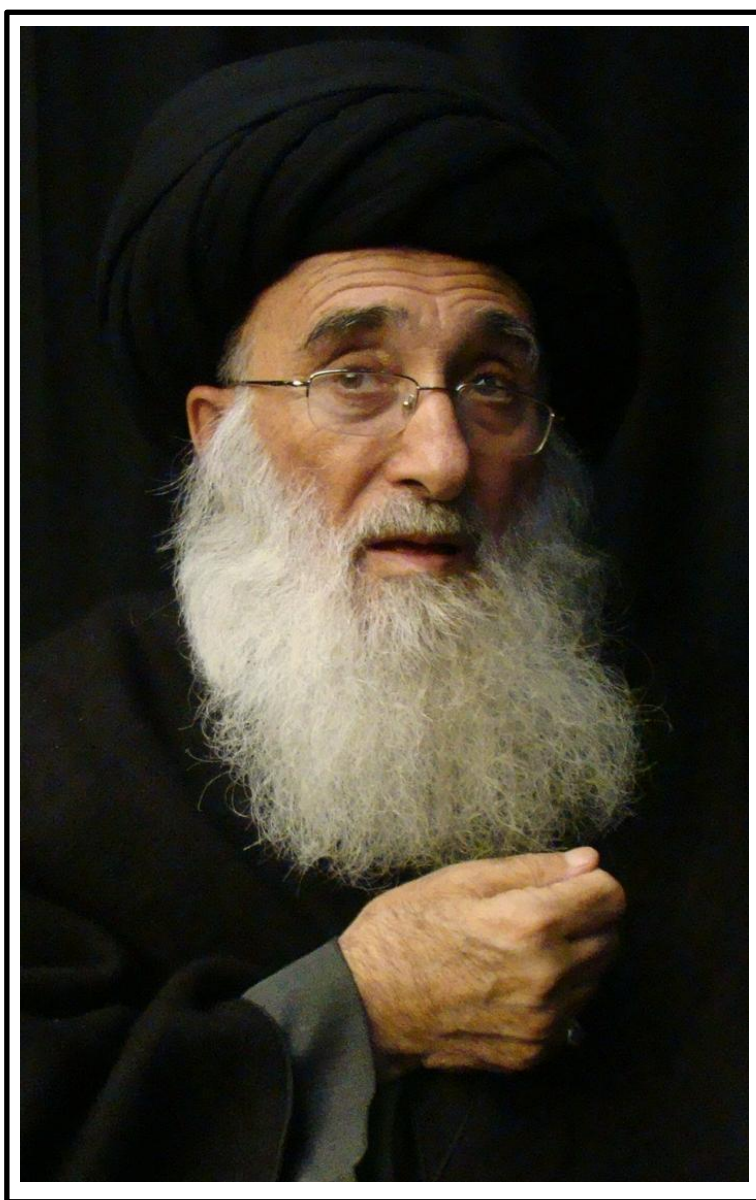
# احیاگر شعائر

یادنامه ارتحال

آیةالله حاج سید مهدی امامی سدهی

سید محمدداود میردامادی







## فهرست

|                                                                     |    |
|---------------------------------------------------------------------|----|
| پیشگفتار .....                                                      | ۷  |
| فصل اوّل: شرح حال آیه‌الله العظمی میر سیّد علی امام جمعه سدهی ..... | ۱۱ |
| فصل دوم: شرح حال آیه‌الله العظمی حاج شیخ جمال‌الدین نجفی .....      | ۱۷ |
| فصل سوم: شرح حال آیه‌الله حاج آقا نورالله امامی سدهی .....          | ۲۲ |
| فصل چهارم: شرح حال آیه‌الله العظمی حاج سیّد حسن (امام) امامی .....  | ۲۵ |
| فصل پنجم: شرح حال دکتر سیّد محمدباقر صفوی .....                     | ۲۹ |
| فصل ششم: شرح حال آیه‌الله حاج سیّد مهدی امامی سدهی .....            | ۳۶ |
| ولادت .....                                                         | ۳۶ |
| تحصیلات و اساتید .....                                              | ۳۶ |
| عزیمت به قم .....                                                   | ۳۷ |
| عزیمت به مشهد مقدس .....                                            | ۳۷ |
| مراجعت به قم .....                                                  | ۳۷ |
| عزیمت به نجف اشرف .....                                             | ۳۸ |
| مراجعت به خمینی‌شهر .....                                           | ۳۹ |
| مجالس تدریس .....                                                   | ۳۹ |
| مشایخ روایت و مجازین از وی .....                                    | ۴۰ |
| تألیفات .....                                                       | ۴۱ |
| نمونه‌ای از اشعار .....                                             | ۴۲ |

|                                                                                          |    |
|------------------------------------------------------------------------------------------|----|
| توسعه، تولیت، بازسازی و احیاء حسینیّه و تکیه حاج حسن .....                               | ۴۴ |
| توسعه، بازسازی، تولیت، احیاء و امامت جماعت مسجد جامع فروشان ...                          | ۴۵ |
| احیاء و رونق مسجد جامع فروشان .....                                                      | ۴۷ |
| پرداخت هزینه‌ی چاپ مجلد نصوص بر ائمه <small>علیهم‌السلام</small> کتاب عوالم العلوم ..... | ۵۱ |
| تواضع کم‌نظیر و مردم‌داری .....                                                          | ۵۲ |
| خریداری و تأسیس حسینیّه‌ی فروشانی‌ها در شهر مشهد مقدس .....                              | ۵۲ |
| مقبول علماء و مراجع تقلید .....                                                          | ۵۳ |
| هوش و حافظه‌ی فوق‌العاده .....                                                           | ۵۴ |
| زیبایی چهره .....                                                                        | ۵۵ |
| گریه‌ی زیاد .....                                                                        | ۵۵ |
| محور عزاداری‌ها .....                                                                    | ۵۶ |
| پایمردی بر احیاء و تداوم شعائر فاطمی و حسینی در منطقه .....                              | ۵۷ |
| تأسیس هیئت عزاداری «سادات» در روز شهادت حضرت زهرا <small>علیها‌السلام</small> .....      | ۵۹ |
| همسر و فرزندان .....                                                                     | ۶۰ |
| وفات .....                                                                               | ۶۱ |
| مرثیه و مادّه تاریخ وفات .....                                                           | ۶۲ |
| حسن ختام .....                                                                           | ۶۸ |

#### ملحقات:

|                                                                      |    |
|----------------------------------------------------------------------|----|
| - پیام‌های تسلیت به مناسبت ارتحال آیة‌الله حاج سیّد مهدی امامی ..... | ۷۰ |
| - عکس‌های آیة‌الله حاج سیّد مهدی امامی .....                         | ۸۱ |
| - تصویر برخی از مخطوطات خاندان امامی .....                           | ۹۲ |

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْمَدِ لِنِعْمَتِهِ، الْمُعْبُودِ لِقُدْرَتِهِ، الْمُطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ،  
الْمَرْهُوبِ بِجَلَالِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيهِمَا عِنْدَهُ، النَّافِذِ أَمْرُهُ، فِي جَمِيعِ خَلْقِهِ،  
عَلَا فَاسْتَعْلَا، وَدَنَى فَتَعَالَى، وَارْتَفَعَ فَوْقَ كُلِّ مَنْظَرٍ، الَّذِي لَا بَدَأَ  
لَا وَلِيَّتَهُ، وَلَا غَايَةَ لِأَزَلِّيَّتِهِ، الْقَائِمِ قَبْلَ الْأَسْبَابِ، وَالِدَائِمِ الَّذِي بِهِ  
قَوَامُهَا، وَالْقَاهِرِ الَّذِي لَا يُؤَدُّهُ حِفْظُهَا، وَالْقَادِرِ الَّذِي بِعِظَمَتِهِ، تَفَرَّدَ  
بِالْمُلْكُوتِ وَبِقُدْرَتِهِ، تَوَحَّدَ بِالْجَبَرُوتِ، وَبِحِكْمَتِهِ، أَظْهَرَ حُجَجَهُ عَلَى  
خَلْقِهِ، اخْتَرَعَ الْأَشْيَاءَ إِنْشَاءً، وَابْتَدَعَهَا إِبْتِدَاءً بِقُدْرَتِهِ، وَحِكْمَتِهِ، لَا مَنْ  
شَيْءٍ فَيَبْطُلُ الْاِخْتِرَاعُ، وَلَا لِعِلَّةٍ فَلَا يَصِحُّ الْإِبْتِدَاعُ، خَلَقَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ  
يَشَاءُ، مُتَوَحِّدًا بِذَلِكَ لِأَظْهَارِ حِكْمَتِهِ، وَحَقِيقَةِ رُبُوبِيَّتِهِ، لَا تَفَرُّطُهُ  
الْعُقُولُ، وَلَا تَبْلُغُهُ الْأَوْهَامُ، وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، وَلَا يُحِيطُ بِهِ مِقْدَادُ،  
عَجَزَتْ دُونَهُ الْعِبَادَةُ، وَكَلَّتْ دُونَهُ الْأَبْصَارُ، وَضَلَّ فِيهِ تَصَاريفُ  
الْصِفَاتِ، اِحْتَجَبَ بِغَيْرِ حِجَابٍ، مَحْجُوبٍ، وَاسْتَتَرَ بِغَيْرِ مَسْتُورٍ، عُرِفَ  
بِغَيْرِ رُؤْيَةٍ، وَوُصِفَ بِغَيْرِ صُورَةٍ، وَنُعِتَ بِغَيْرِ جِسْمٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَبِيرُ  
الْمُتَعَالَى، ضَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ بُلُوغِ كُنْهِهِ، وَزَهَلَتِ الْعُقُولُ إِذْ تَبْلُغُ غَايَةَ،

فهاميته، لا يَبْلُغُهُ حَدٌّ وَهُمْ، وَلَا يُدْرِكُهُ نَفَاذُ بَصَرٍ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اِحْتَجَّ عَلَى خَلْقِهِ بِرُسُلِهِ، وَأَوْضَحَ الْأُمُورَ بِدَلَالَتِهِ، وَأَنْبَعَثَ الرُّسُلُ مَبَشِّرِينَ، وَمُنْذِرِينَ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَلِيَعْقِلَ الْعِبَادُ عَنْ رَبِّهِمْ، مَا جَهِلُوا، فَيَعْرِفُوهُ، بِرُبُوبِيَّتِهِ، بَعْدَ مَا أَنْكَرُوهُ، وَيُؤْخَذُوهُ بِالْإِلَهِيَّةِ، بَعْدَ مَا أَضَدُّوهُ، أَحْمَدُهُ حَمْدًا يَشْفِي النُّفُوسَ، وَيَبْلُغُ رِضَاهُ، وَيُؤَدِّي شُكْرَ مَا وَصَلَ إِلَيْنَا مِنْ سَوَابِغِ النِّعَمَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً، وَلَا وَلَدًا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ عَبْدُهُ، اِنْتَجَبَهُ وَرَسُولُهُ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ، لَا سَيِّئًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

قال رسول الله ﷺ : إذا مات العالم ثلم في الإسلام ثلثة، لا يسدها شيء.

به مناسبت یادمان اربعین ارتحال ملکوتی عالم ربّانی، فقیه صمدانی، زاهد پرهیزگار، بزرگ احیاگر شعائر مقدسه فاطمی و حسینی، جد حقیر مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی سدهی قمری بر آن شدم که رساله‌ای مختصر از ایشان و خاندان معظم ایشان در حد بضاعت خویش تقدیم کنم.

از آنجایی که مرحوم جد علاقه‌ای خاص نسبت به حقیر داشته و این علاقه متقابل بوده، لذا تنها انگیزه‌ام در مبادرت به این امر پاسداشت همین ارتباط معنوی است.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در زندگی حقیر اتفاق افتاد و از این جهت، خویش را مدیون عنایات مرحوم جد می‌دانم این است که: در سال ۱۳۸۷ هـ ش طبق سنوات گذشته در ایام دهه‌ی

عاشورای مولای دو سرا حضرت سیدالشهداء علیه السلام و همچنین در ایام سوگواری ولیه‌ی عالم امکان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در بیت معظم له، مجالس عزاداری منعقد می‌گردید. ایشان به حقیر فرمودند در این مجالس، مدح حضرات معصومین علیهم السلام را بخوان و از آنجایی که وظیفه‌ی حقیر اطاعت از فرمایشات ایشان بود می‌پذیرفتم و عمل می‌کردم.

اولین مجلسی که حقیر قدم به پله‌های منبر حضرت سند السّعدا، مولانا أباعبدالله الحسین علیه السلام نهادم، روز شهادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام مورخ ۳ جمادی الثانی ۱۴۲۹ هـ ق در بیت معظم له بود که با قرائت حدیث شریف کساء آغاز شد. سپس ایشان در زمینه‌ی کسب علوم دینی و حوزوی حقیر را تشویق فرمودند و با گفتار و بیان شیرین و رفتار مثال‌زدنی خود، حقیر را به سمت مسیر مربوطه مشتاق نمودند. در طی سال‌های مذکور همواره مشغول بودم تا اینکه در دی ماه سال ۱۳۹۲ هـ ش کسالتی شدید بر ایشان عارض شد و پس از بستری شدنشان در قسمت ICU بیمارستان تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفتند. در همان حال ایشان به حقیر فرمودند: «بابا تا زمانی که زنده هستم مشتاقم تو را داخل لباس جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله ببینم». از این جهت بود که در روز پانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۹۲ به دستان مبارک ایشان معمم شده و این افتخار بزرگ را از آن خویش نمودم و صد البته تا زمانی که نفسی می‌آید و آهی می‌رود، خود را مدیون عنایات ویژه‌ی ایشان می‌دانم. و ان شاء الله خداوند متعال روح ملکوتی این فقیه فقید را مستغرق در رحمت خویش گرداند. به امید آنکه، این رساله مختصر ثوابی باشد به روح پرفتوح مرحوم آیه‌الله

۱۰ ..... احیاگر شعائر، یادنامه‌ی ارتحال آیه‌الله حاج سید مهدی امامی

---

حاج سید مهدی امامی سدهی ق، و ایشان را با جدشان حضرت اباعبدالله الحسین ع محشور بگرداند.

این رساله در شش فصل و سه پیوست تنظیم شده است که تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

در پایان از تمام کسانی که در امر تدوین، تنظیم و نشر این رساله مساعدت و همکاری نمودند از آن جمله:

۱- پدرم جناب آقای دکتر سید عبدالمجید میردامادی که فصل پنجم کتاب یعنی شرح حال آقای دکتر سید محمدباقر صفوی را به قلم آوردند. و همچنین همه‌ی کتاب را مورد بازبینی قرار دادند.

۲- حضرت آیه‌الله آقای حاج شیخ هادی نجفی دام‌ظله که رساله تحت نظر ایشان تدوین شد.

۳- فاضل معاصر حجة‌الاسلام حاج شیخ محمدعلی آیه‌الله‌زاده‌ی نجفی دام‌ظله.

۴- جناب حجة‌الاسلام آقای شیخ عبدالحسین جواهر کلام دام‌ظله که ملاحظه‌ی نهایی رساله را انجام دادند.

۵- سرکار خانم تهmine نصرآزادانی دامت عفتها که در نوروز ۱۳۹۴ حروفچینی و صفحه‌بندی کتاب را با سرعت به انجام رساندند. نهایت سپاس، قدردانی و تشکر را دارم.

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

قم مقدسه

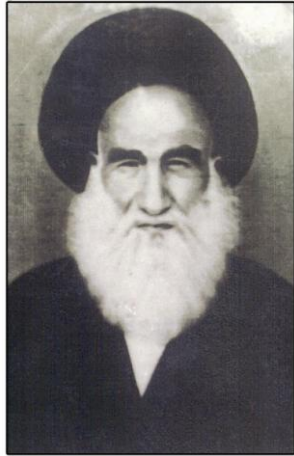
۷ / جمادی الاخری / ۱۴۳۶

سید محمدداود میردامادی

## فصل اوّل:

آية الله العظمى حاج مير سيد علي امام جمعه سدهى  
(معروف به حاج آقا بزرگ)  
(۱۳۵۸-۱۲۶۴)

### شجره نامه



سيد علي بن سيد محمد مهدى  
بن سيد اسماعيل بن سيد حسين بن  
سيد زين الدين علي بن سيد  
محمد جعفر بن سيد محمد محسن بن  
سيد محمد سعيد بن سيد عبدالكاظم  
بن سيد عبدالرضا بن سيد علي بن  
سيد بابا بن سيد احمد بن سيد بابا  
بن سيد ركن الدين بن سيد  
جمال الدين بن سيد علي بن سيد

حمزه بن سيد اسماعيل بن سيد محمود بن سيد جمشيد بن سيد  
اسماعيل (ابوالبركات) بن سيد حسن بن سيد محمد بن سيد حسين بن  
سيد احمد بن سيد محمد بن سيد عزيز بن سيد حسين بن سيد محمد

بن سید علی بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد دیباج بن الإمام الصادق علیه السلام<sup>۱</sup> که با رابطه به اشرف مخلوقات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می‌رسد.

عالم ربانی آیه‌الله مجاهد، عالم فاضل و محقق جلیل، ادیب شاعر، جامع معقول و منقول، مرحوم حاج آقا میر سید علی امام جمعه سده‌ی پس از تحصیل علوم مقدماتی از سده اصفهان به اصفهان رفته و در حوزه علمیه اصفهان در محضر علمای بزرگ آن زمان همچون: آیه‌الله العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی مسجدشاهی معروف به آقانجفی، آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی و آیه‌الله آخوند ملا محمدحسین فشارکی تلمذ نمود و در اندک زمانی، سرآمد اقران خود گردید. به‌طوری که در مولد خود ریاست علمی و دینی داشت و همچنین از مرحوم آیه‌الله العظمی آقانجفی و آیه‌الله چهارسوقی اجازه روایت دریافت نمود و مورد توجه خاص آقانجفی نیز بوده است. زمانی که در محضر ایشان به مشورت در امور فقهی می‌پرداخت، نظر وی (آیه‌الله حاج آقابزرگ) را ترجیح می‌داد.

او در علوم مختلفه از قبیل: فقه، اصول، حکمت، ریاضی و طب زحمت کشیده و خصوصاً در علوم غریبه چون: جفر، رمل، اعداد و طلسمات شهرتی داشته است. بعد از وصول به مقامات عالیہ علم و اجتهاد، به سده مراجعت نمود و مرجع شرعی منطقه گردید و به اقامه جماعت مشغول و باقی اوقات را صرف عبادت، تزکیه نفس، تألیف و

---

۱. صورت شجره‌نامه که ثبت نمودم همان‌طوری است که در مقدمه ترجمه و شرح نهج‌البلاغه مرحوم دانشمند معظم فیض الاسلام ذکر شده است.

تصنیف می‌نموده است.

آن عالم فرزانه پیوسته به ریاضت و تزکیه قلب مشغول بود، به‌طوری که بسیاری از مسائل مشکله را به طریق مکاشفه حل می‌نمود و با اعظم بلاد، ملاقات و معاشرت داشت و بنا به نوشته بعضی از نویسندگان در مراجعت از مشهد مقدس خدمت امام عصر علیه السلام شرفیاب گردیده است.

دوران او مصادف با جریان فرقه خودساخته بابیه بود.

در سال ۱۳۰۷ ه‍.ق چند نفر از این فرقه با بعضی از آنانی که در مظان اتهام و وابستگی به این فرقه بودند از اصفهان اخراج شدند ولی ناصرالدین شاه فرمان بازگشت آنها را داده و مردم سده به ریاست حاج آقا میر سید علی سدهی از ورود آنها به شهر جلوگیری و در نهایت در اثر درگیری یک نفر بابی و شش نفر از متهمین کشته شدند. ایشان همچنین در قضایای نهضت مشروطه، از طرف مشورت آیه‌الله شهید حاج آقا نورالله نجفی مسجدشاهی و از مروجین فکر مشروطیت بوده و در این راه تلاش بسیاری به خرج داده بود. ایشان در قلع و قمع مخالفین و معاندین مذهب حقه اثنی‌عشریه و در امر به معروف و نهی از منکر اهتمام تمام می‌نمود.

ایشان دارای کتب و رسائل عدیده‌ای است که از آن جمله‌اند:

- ۱- رساله در اخلاق ۲- رساله در تقلید ۳- رساله در خیرات
- ۴- رساله در ادعیه ۵- رساله در شرط ضمن عقد ۶- رساله در صلح با حق رجوع ۷- رساله در قتل ۸- رساله در منجزات مریض
- ۹- رساله در ادعیه و ختومات ۱۰- رسائلی در فقه ۱۱- رسائلی در طب و در تجربیات خود ۱۲- رسائلی در زمینه علوم غریبه (که بعضی

از کتب ایشان توسط نوهی بزرگوار ایشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۴ ش به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شد).

ایشان شاعری زبردست بوده و به نام «ضیائی» متخلص بوده‌اند.

از میان اشعار این مجتهد جامع، نمونه‌ای انتخاب شده که به شرح زیر است:

بنمای رخ که روی تو امروز دیدنی است  
ور تلخ گویی، از لب شیرین شنیدنی است  
بار فراق تو شکند کوه را کمر  
اما به یاد وصل تو، باری کشیدنی است  
در بوستان روی تو هر گل که بکشند  
آن گل، به دست مردمک دیده، چیدنی است  
آن کو درید جامه‌ی یوسف نهفته گفت  
هر جامه‌ای که عشق ندارد، دریدنی است  
جان را به آب و دانه‌ی دنیا چه پروری  
کاین مرغ، آخر از قفس تن، پریدنی است

در ماه‌های پایانی عمر این عالم فرزانه نوهی ایشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی سده‌ی که در آن زمان، حدود ۸ سال داشتند. می‌فرمودند: من حدود ۸ سال داشتم و نحوه‌ی نماز خواندن مرحوم آقا بزرگ را یاد دارم، حتی کیفیت قرائت سوره‌ی فاتحه از زبان ایشان در خاطر می‌باشد که ایشان تمام آیات شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه فاتحه را در حین نماز بصورت متصل و یک نفس قرائت می‌کردند.

همچنین در دست‌نوشته‌های مرحوم آقابزرگ مطلبی زیبا و شنیدنی به چشم خورده است که خواندن آن حائز اهمیت است، مضمون دست‌نوشته بدین صورت است:

شبی در عالم رؤیا به مجلس باعظمتی ورود کردم و در میان علماء آن مجلس جلوس نمودم بعد از گذشت دقائق، نوجوانی با لباس روحانی و چهره‌ای زیبا ورود کرد و تمام اهل مجلس به احترام آن نوجوان سراپا ایستادند و احترام کردند. من متحیر بودم از احترام‌هایی که نسبت به او انجام شد. آن نوجوان آمد و کنار من نشست ولی در عالم رؤیا احساس داشتم که ظاهراً این نوجوان فرزند من است. اما ناگهان او مجلس را ترک نموده و از میان جماعت فرار کرد و من از شدت نگرانی در پی او می‌دویدم و قلبم مکدر بود از اینکه اگر این فرزند را از دست بدهم چه بر سرم خواهد آمد، که ناگهان هاتفی نوایی سر داد: «ترس ما این فرزند را به تو عطا خواهیم کرد».

و آن‌گونه که مشخص است طبق تاریخ تألیف مدتی بعد از مشاهده‌ی رؤیای مذکور مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی سدهی چشم به جهان گشود و باعث خوشحالی خاندان خویش گردید. او سرانجام در روز دوشنبه، ۱۰ صفر المظفر وفات یافت و در مقبره‌ای که ملحق به شبستان مسجد جامع فروشان است، مدفون گردید.

فرزند ایشان مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام سدهی در رثای او مرثیه‌ای سروده‌اند که بر سنگ مزارشان نقش گردیده است دو بیت از آن مرثیه چنین است:

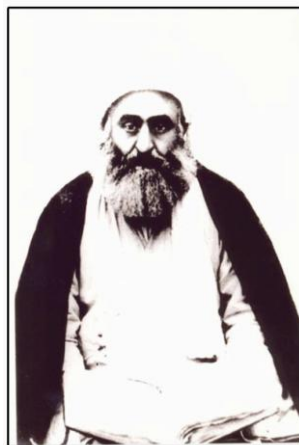
پیچیده است گلچین اجل در فصل فروردین  
بیفکنده فضا نخلی ز پا از جویبار دین  
ز روح پنجمین جستم مدد گفتا به تاریخش  
«علی آن سائل شرع نبی شد سوی علیین»<sup>۱</sup>

---

۱. اعلام اصفهان، ج ۴، ص ۵۷۷؛ تذکرة القبور یا رجال اصفهان، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۱۹؛ خمینی‌شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص ۱۰۸-۱۱۰؛ نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۵۴۱، ریحانة الأدب، ج ۲، ص ۴۵۳؛ مخزن الأدب (راجی) مخطوط؛ مکارم الآثار، ج ۵، ص ۱۷۵۸-۱۷۶۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۸۹؛ حکم نافذ آقاجفی، ص ۱۶۸

## فصل دوم:

### آية الله العظمى حاج شيخ جمال الدين نجفی رحمته الله (۱۲۸۴-۱۳۵۴)



حاج شيخ جمال الدين ابن  
آية الله العظمى شيخ محمدباقر نجفی  
ابن آية الله العظمى شيخ محمدتقی  
رازی نجفی اصفهانی (صاحب کتاب  
هدایة المسترشدين فی شرح اصول  
معالم الدين).

یکی از دختران مرحوم آية الله  
العظمى حاج شيخ جمال الدين نجفی،  
حاجیه، فاطمه خانم هستند که به

کابین مرحوم آية الله حاج سيّد نورالله امامی سدهی درآمدند و از ایشان  
دو فرزند به ترتيب مرحوم آقای دکتر سيّد محمدباقر صفوی و مرحوم  
آية الله حاج سيّد مهدی امامی سدهی به دنیا آمدند.

این عالم جلیل و فقیه مجاهد از علمای بزرگ قرن چهاردهم  
هجری است. مادرش از سادات اخوی تهران بوده و پس از تحصیل

نزد پدر دانشمند خود و دو برادرش آیه‌الله العظمی آقاجفی و آیه‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی معروف به ثقة‌الاسلام کسب فیض نمود. در سال ۱۳۰۸ هـ.ق به عتبات عالیات عزیمت نموده و نزد آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، میرزا حبیب‌الله رشتی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی به کسب فیض پرداخته و به درجه اجتهاد نائل آمد. او در سال ۱۳۱۳ هـ.ق به اصفهان مراجعت و در مسجد شیخ لطف‌الله، به اقامه جماعت، قضاوت و رفع مراعات پرداخته و به تدریس مشغول شد.

او در نهضت مشروطیت با برادرش حاج آقا نورالله همراه شد و به وظائف شرعی خود عمل می‌نمود و پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، به دستور محمدعلی شاه و برچیدن بساط مشروطه و مخالفت علمای نجف اشرف، با اقدامات مستبدانه‌ی محمدعلی شاه، حاج آقا جمال و دو برادرش آقاجفی و حاج آقا نورالله علیه حکومت استبداد اعلامیه صادر نمودند و مردم را به مخالفت با استبداد فرا خواندند.

هنگامی که جنگ جهانی اول آغاز شد و روس‌ها و انگلیسی‌ها کشور را به اشغال خود آوردند، و اصفهان نیز صحنه‌ی تاخت و تاز روس‌ها شد، منزل او محل مراجعه‌ی مردم و تظلم‌خواهی بود. همین امر باعث گردید سربازان روس به منزل او ریخته، او را به اجبار به تهران تبعید نمایند. مردم تهران از او استقبال گرمی کردند و روز به روز به شهرت و عظمت او در شهر تهران افزوده شد.

وی در مسجد سید عزیرالله تهران اقامه جماعت می‌نمود و به تدریس می‌پرداخت و برخی اوقات به منبر می‌رفت و مردم را موعظه

و ارشاد می نمود.

حاج شیخ جمال الدین نجفی در اوایل دوران رضاخان با منویات و اهداف ضدّ اسلامی او به مخالفت پرداخت و در نهضت جمهوری، در کنار شهید سید حسن مدرس به مخالفت با جمهوری خواهی رضاخان برخاست و مردم را علیه آن بسیج نمود. پس از آنکه در سال ۱۳۵۲ ق مجلس شورای ملی قانونی را تصویب نمود که مطابق با آن سنّ قانونی ازدواج برای دختران ۱۸ و پسران ۲۰ تعیین شده بود. حاج آقا جمال آن را خلاف شرع دانسته و علناً به مخالفت با آن پرداخت. لذا به اصفهان تبعید شده و در منزل خود در اصفهان تحت نظر مأمورین حکومت قرار گرفت.

در دو سال آخر زندگی به اقامه جماعت در مسجد شیخ لطف الله و برگزاری مراسم دعای کمیل در تخت فولاد می پرداخت. او سرانجام در شب یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی در اصفهان وفات یافت و در میان مردم شایع شد که ایشان را مسموم ساخته اند.

پیکر مطهر ایشان به تخت فولاد اصفهان تشییع شد و در تکیه مادر شاهزاده در کنار مزار جد اعلای خویش شیخ محمدتقی رازی نجفی اعلی الله مقامه الشریف مدفون گردید.

میرزا حسن خان جابری انصاری ماده تاریخ وفات او را چنین یافته است:

سر از جنت برون آورد گفتا خود به تاریخش

جمال دین ز حق دیده جمال و رفته در مینو

مرحوم معلّم حبیب آبادی نیز مرثیه ای در وفات او سروده است و مصرع: «جمال الدین بجنت رفت ناگه» را ماده تاریخ فوت او قرار

داده است.

کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱- «حاشیه بر انیس المقلدین» رساله‌ی علمیه‌ی مرحوم سید اسماعیل صدر که در سال ۱۳۲۹ ه‍.ق چاپ سنگی شده است.

۲- «رساله در دماء ثلاثه، صیغ عقود، نکاح، متعه و تحلیل» که ضمیمه‌ی «انیس المقلدین» است و توسط یکی از شاگردانش بنام حاج شیخ احمد کتاب‌فروش تهرانی از کتاب «نجات الشیعه» صاحب عنوان برگرفته و به طبع رسیده است.

۳- «نجات الشیعه فی احکام الشریعه».

#### خاطره‌ای در مورد شیخ جمال‌الدین نجفی رحمته‌الله

در دیوان حافظ شیرازی غزلی وجود دارد که طولانی‌ترین غزل دیوان اوست. بیت اول این غزل این‌گونه است:

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم

یعنی غلام شاهم و سوگند می‌خورم

یکی از خصائص مرحوم جد (آیة‌الله حاج سید مهدی امامی) این بود که ایشان از غزلیات بعضی از شعرا تعبیری استخراج می‌نمودند که بسیار دلنشین بود و تازگی منحصر به خویش را داشت. تعبیر ایشان از غزل حافظ شیرازی این‌گونه بود که می‌فرمودند: «این غزل راجع به حضرت حر رحمته‌الله است». و هر زمانی که این شعر را در محضر ایشان قرائت می‌کردم، داستان مرحوم حاج آقا جمال‌الدین نجفی را تعریف می‌کردند که به شرح زیر است:

روزی مرحوم حاج آقا جمال نجفی در حیات منزلشان قدم می‌زدند و دست به محاسن مبارک می‌کشیدند. مرحوم بی‌بی جان

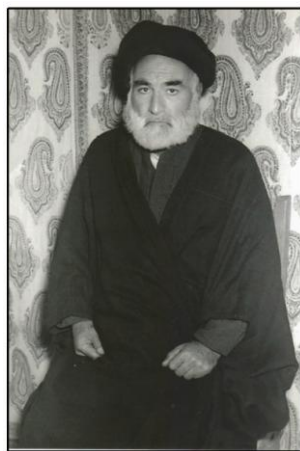
(همسر حاج آقا جمال‌الدین) رسیدند محضر آقا و عرض کردند آیا مسئله‌ای ذهن شما را درگیر کرده است که در فکر فرو رفته‌اید؟ فرمودند: خیر، در حال تأمل هستم پیرامون این که خدمتی که من به مادرم کردم هیچ‌کس به مادرش نکرده است. بی‌بی جان پرسیدند: چگونه؟ فرمودند: شبی یکی از علمایی که با دربار رابطه‌ی حسنه داشت بنده را برای جلسه‌ای دعوت نمود و بنده مخالفت کردم، از ایشان اصرار و از بنده انکار، در نهایت برای حضور خویش شرطی نهادم و گفتم اگر آن قطعه از پارچه‌ای که شاه اسماعیل صفوی از پیشانی حضرت حر علیه السلام جدا کرد را نشان من بدهی بنده هم در مجلس حضور پیدا خواهم کرد. تکه‌ی پارچه را آورد و من یک نخ از آن را برداشتم و در زمان تدفین مادرم آن نخ را در داخل کفن وی قرار دادم. از این جهت است که می‌گویم خدمتی که من به مادرم کردم را هیچ‌کسی به مادرش نکرد.<sup>۱</sup>

---

۱. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۵۱ و ۴۵۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۸۵-۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۳؛ گلشن اهل سلوک، ص ۹۲-۱۱۱؛ زندگانی آیه‌الله چهارسوقی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۲۶؛ نسب‌نامه‌ی الفت، خطی؛ مکارم الآثار، ج ۷، ص ۲۶۱۳-۲۶۱۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۲؛ زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ اعلام اصفهان، ج ۲، ص ۳۶۷.

## فصل سوّم:

### آية الله حاج سيّد نورالله امامی سدهی ع (۱۳۱۷-۱۳۹۷ق)



فرزند مرحوم آية الله العظمی  
حاج مير سيّد علی امام جمعهی  
سدهی (۱۲۶۴-۱۳۵۷)  
داماد مرحوم آية الله حاج شيخ  
جمال الدين نجفی مسجدشاهی  
پدرانہ عموماً از علما و  
بزرگان ساکن سده و محلّه فروشان  
بوده و به علم و فضل و زهد و تقوی  
شہرت داشته اند.

مرحوم حاج آقا نورالله پس از طی دروس مقدماتی و فراگیری  
بعضی از مقاطع علوم غریبه خدمت پدر بزرگوارش در اصفهان خدمت  
مرحوم آية الله حاج مير سيّد علی نجف آبادی و مرحوم آية الله آقا سيّد  
مهدی درچہای اعلی الله مقامہما تلمذ کرد و در قم و نجف اشرف از علمای

بزرگ آن زمان همچون: شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی کسب علم نمود.

پس از وصول به مقامات عالیہی علمی و کسب اجازات از اساتید خود به موطن خویش بازگشته و تا آخرین دقایق عمر به تبلیغ احکام و ترویج شریعت و اقامه‌ی جماعت و جمعه در مسجد جامع فروشان مشغول بوده و به دیگر شئون روحانیت اشتغال داشتند. از جمله تألیفات ایشان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- علوم غریبه (که بعضی از کتب ایشان توسط فرزند بزرگوارشان آیة الله حاج سید مهدی امامی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۴ ش به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا گردید).

۲- رساله‌ای در توسلات

۳- رساله‌ای در مجالس

۴- رساله‌ای در رمل

۵- رساله‌ای در جفر

۶- رساله‌ای در علم طب اسلامی

۷- رساله‌ای در ختومات

معظم له از علمای مبارز در دوران خفقان رضاشاه پهلوی بودند و از حریم مقدس تشیع و روحانیت دفاع می‌نمودند و عند الخواص والعوام، معزز، محترم و نافذ الکلمه بودند. ایشان مورد توجه مراجع معظم و مورد مهر و ارادت مردم و اهالی سده بودند و در حل مشکلات مردم محل سعی و کوشش می‌نمودند و از مصادیق بارز عالم ینتفع بعلمه (دانشمندی که وجودش برای مسلمانان و مستضعفان مفید باشد) بودند.

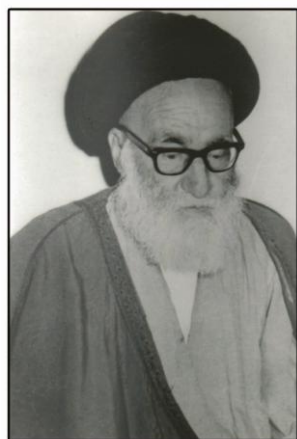
ایشان سرانجام پس از سال‌ها مبارزه، در روز ۲۸ جمادی الآخر از دنیا رفتند و با تجلیل و تشییع کم‌سابقه‌ای در مقبره‌ای که توسط فرزندشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی سده‌ی، به مسجد جامع فروشان متصل گردید، مدفون شدند.<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۲۷۵؛ خمینی‌شهر شهری که از نو باید شناخت، ص ۱۱۰؛ گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۳۴۶.

## فصل چهارم:

آية الله العظمى حاج سيد حسن امامي سدهي  
(معروف به حاج آقا امام)  
(۱۳۹۸-۱۳۲۰)



فرزند مرحوم آية الله العظمى  
حاج مير سيد علي امام جمعه  
سدهي، عالم رباني، فقيه صمداني و  
مجتهد جامع الشرائط، مرحوم حاج  
آقا امام سدهي در شهر مقدس قم  
نزد حاج آقا ميرزا محمد فيض، آية الله  
حاج آقا احمد اخوي و آية الله العظمى  
حاج آقا حسين كسب فيض نمود و  
سپس به مشهد مقدس عزيمت كردند

و از دروس آية الله حاج سيد عباس شاهرودي كه از شاگردان شيخ  
اعظم انصاري اعلى الله مقامه الشريف بود و آقا سيد حسن كه از تلامذهي  
مرحوم آخوند خراساني بود سطوح عالي را آموختند. سپس به اصفهان  
بازگشتند و در درس آية الله آقا مير محمد صادق مدرس خاتون آبادي و

آیه‌الله العظمی آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجدشاهی شرکت و چندین سال کسب فیض نمودند.

پس از آن به نجف اشرف جهت ادامه تحصیل عزیمت نمودند و چندین سال نیز از دروس آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمدحسین نائینی، آقا ضیاءالدین عراقی و میرزا محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) بهره بردند.

پس از مدتی به علت بیماری که بر ایشان عارض شد به اصفهان مراجعت کردند و مدت بیست سال در اصفهان اقامت نمودند و مجدداً در سال ۱۳۲۰ ش مطابق ۱۳۶۰ ق به نجف اشرف مراجعت کردند و تا پایان عمر مرحوم آیه‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی از محضرشان استفاده کردند و همچنین از دروس آیه‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله حاج شیخ محمدکاظم شیرازی به مدت هفت سال بهره‌مند شدند.

در سال ۱۳۶۷ هـ ق در قم اقامت گزیدند و سال بعد با نظر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی با همراهی آیه‌الله میرزا عبدالجواد سدهی جبل عاملی و آیه‌الله شهید شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی، به کرمانشاه برای اداره‌ی حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه کرمانشاه اعزام گردیدند و پس از مدتی مجدداً به قم مراجعت نمودند و در سال‌های آخر عمر خویش در سده مقیم شدند و در مسجد جامع فروشان اقامه نماز جماعت می‌کردند و در مدرسه‌ی علمیه که خود تأسیس نموده بودند و قبلاً به نام حسینیه حاج حسن نام داشت، در محله‌ی فروشان، برای جمعی از آقایان و علما تدریس خارج فقه و اصول می‌نمودند. ایشان در میان مردم به حاج آقا امام معروف بودند که این لقب

از طرف پدر بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله العظمی حاج آقا میر سید علی به ایشان داده شده بود.

ایشان یک دوره کامل فقه تألیف نمودند و یک دوره کامل تقریرات درس اصول مرحوم آیه‌الله العظمی شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) را تألیف نمودند که تحت طبع می‌باشد.

از دیگر تألیفات ایشان می‌توان به حاشیه‌ی بر کتاب عروة الوثقی که به قلم خویش است، تقریرات درس اصول و فقه مرحوم آیه‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی اشاره کرد. (بعضی کتب علوم غریبه از ایشان توسط آیه‌الله حاج سید مهدی امامی به کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۴ اهدا گردید).

وی در مجالس و مجامع، دائماً ذکر می‌گفتند و تا سؤالی از ایشان نمی‌شد لب به سخن متفرقه نمی‌گشودند و این سیره‌ی پدر بزرگوارشان نیز بوده است. همان‌طور که ایشان برای اخوی زاده‌ی معظمشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی نقل کرده‌اند، مبنی بر اینکه: «بنده هرچه سعی می‌کنم همانند پدرم دائم الذکر باشم، نمی‌توانم». و این در حالی است که مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی نقل می‌کردند: «مرحوم عمو دائم الذکر بودند».

ایشان دارای ذوق شعری بودند و اشعار زیادی مخصوصاً در زمینه مدح و مرثیه‌ی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) سرودند که هم‌اکنون در مراسم‌های عزاداری مردم متدین خمینی‌شهر بر زبان عزاداران جاری است که یک دیوان اشعار از ایشان به جای مانده است.

این عالم فرزانه سرانجام روز ۱۹ فروردین ۱۳۵۸ هـ.ش دار فانی را وداع گفته و پس از تجلیل و تشییع کم‌نظیر پیکر مطهر ایشان از بیت

معظمشان به سمت مسجد جامع فروشان تشییع شد و در کنار مزار شریف برادر بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله حاج سید نورالله امامی سده‌ی مدفون گردید.

پس از ارتحال ملکوتی این عالم جلیل القدر پیام‌های تسلیت فراوانی از طرف مراجع معظم وقت به اخوی زاده‌ی معزز ایشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی واصل گردید که از آن جمله می‌توان به پیام تسلیت مکتوب مرجع فقید مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ محمدتقی بهجت، خطاب به مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی اشاره کرد که در اسناد موجود است. فرازی از پیام مذکور به شرح زیر است:

«هر عالمی در عرفان استادی دید ولی مرحوم آیه‌الله امام سده‌ی بدون استاد مراتب عرفان نظری را به حد اعلی رسانید».<sup>۱</sup>

---

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ اعلام اصفهان، ج ۲، ص ۵۱۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۳۶۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۸ و ۵۹؛ خمینی‌شهر شهری که از نو باید شناخت، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

## فصل پنجم:

### دکتر سید محمدباقر صفوی رحمۃ اللہ علیہ (۱۳۰۱-۱۳۷۶ ش)



دکتر سید محمدباقر صفوی در سال ۱۳۰۱ ش در قریه فروشان - سده‌ی اصفهان چشم به جهان گشود. او اولین فرزند حاج آقا نورالله امامی فروشانی بود که بمناسبت اینکه پدرانش در این شهر اقامه جمعه داشتند به این لقب خانوادگی شهرت یافته بودند. جد پدری او مرحوم آقا میر سید علی سده‌ی از علما و

مشاهیر خطه‌ی سده اصفهان بود که در داشتن علم و تقوا و شجاعت شهره‌ی زمان خود بود. آقا میر سید علی به دلیل همین شهرت علمی، فضل و تقوا که او را آیة‌الله شهر کرده بود. همواره با علما و

شخصیت‌های اصفهان در ارتباط و تماس نزدیک بود و به همین جهت توانست دختر آیه‌الله جمال‌الدین نجفی یکی از بزرگان خاندان مسجدشاهی را به عقد فرزند خود حاج آقا نورالله درآورد. حاصل این وصلت دو پسر به نام‌های سید محمدباقر و سید مهدی گردید که سید مهدی بدلیل داشتن ذوقیات علمی و فقهی به کسوت روحانیت درآمد و عمر پربرکت خود را در این وادی سپری نمود ولیکن سید محمدباقر از آغاز جوانی علقه‌های دیگری داشت.

او علاقمند به تحصیلات نوین و نظام دانشگاهی بود هر چند در عنفوان جوانی مدتی در مدارس علمیه قدیم تحصیل نمود و دارای فضل بالنسبه علمی در عالم فقه و کلام گردید. او از عنفوان جوانی میلی به نزدیکی به فامیل مادری خود در اصفهان داشت و بیشتر اوقات خود را دور از محله سده اصفهان و در درون خاندان نجفی که از موقعیت ویژه‌ای در شهر اصفهان برخوردار بودند می‌گذراند. او توانست تحصیلات متوسطه را در اصفهان به پایان ببرد و وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شود. با پایان یافتن تحصیل علم قضا به خدمت دستگاه قضائی کشور درآمد.

بالندگی او در محیط خانوادگی علم و فضل و تقوا؛ احاطه او به علم قضا، آگاهی از مبانی فقه و حقوق اسلامی و آشنایی عمیق به فرهنگ و تاریخ ایران از او شخصیتی فرهیخته و عالم ساخته بود که شایستگی خود را در تمامی صحنه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی به نمایش می‌گذارد.

او پس از مدتی خدمت در دستگاه قضا جهت تکمیل تحصیلات و آشنایی با نظام حقوق بین‌الملل به فرانسه رفت و ضمن

یادگیری دقیق و عمیق زبان فرانسه در شهر پاریس به مطالعات حقوقی پرداخت و پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت. خود نقل می‌نمود پس از آنکه تحصیلات خود را به اتمام رسانیدم تحقق دو نکته برایم بسیار مهم بود، اول اینکه آغاز کار خود و مراجعتم به ایران توأم با زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بعنوان تیمن و تبرک باشد، دوم اینکه در قلب خود احساس آسودگی و اطمینان برای امر قضا و داوری بین مردم را نداشتم زیرا اعتقاد بسیاری از علما و مجتهدان آن بود که ورود به دستگاه قضا اشکال دارد و این نکته مرا به تردید انداخته بود. در راه بازگشت از آخرین سفر تحصیلی به نجف اشرف و کربلای معلی شرفیات شدم و با مولای خود عهد خدمت صادقانه به مردم را بستم و با عزمی راسخ عازم وطن خود گردیدم.

آیه الله العظمی بروجردی (رحمته الله) در آن زمان مقام عظمی و زعیم حوزه‌های علمیه‌ی ایران بود و با خانواده ما به‌ویژه عمو و پدرم مناسبات خوبی داشت. به اتفاق یکی از دوستان خدمت ایشان رسیدیم. ایشان با مهربانی از پدر و عمو جویای احوال شدند و پرسیدند: شما چکار می‌کنید و به چه امری مشغولید؟ که ما دو نفر وضعیت خود را شرح دادیم که در ایران و فرانسه علم حقوق خوانده‌ایم و هم اینک باید جهت ادامه خدمت وارد دستگاه دادگستری شویم. ولی با وجود شبهات فقهی که در خصوص خدمت در دستگاه قضا مطرح می‌کنند جهت کسب تکلیف خدمت رسیده‌ایم. ایشان تأملی نموده و فرمودند: «حال اگر شما وارد دستگاه قضا نشوید چه می‌شود؟» عرض کردیم آقا اتفاقی نمی‌افتد، دیگران انجام می‌دهند. فرمودند: من با شناختی که از شما و بیت شما دارم چه کسی می‌تواند

صالح‌تر از شما به مردم خدمت کند. ما با این اجازه که از ناحیه معظم له دریافت کردیم با قلبی مطمئن وارد عرصه قضا و داوری شدیم. ایشان در طی خدمت در مقام‌های قضایی در شهرهای شیراز، مشهد، گیلان، خوزستان، قزوین و تهران همواره به درستکاری و تقوای شغلی معروف بود و توانست تمامی مناصب قضا را تا معاونت دستگاه قضایی، طی نماید. در دوران وزارت دکتر نجفی در سال ۱۳۵۲ ه‍.ش به دلیل اینکه وزیر دادگستری در آستانه بازنشستگی بود از دکتر سید محمدباقر صفوی خواست که او را به دولت وقت جهت تصدی پست وزارت معرفی کند که دکتر صفوی پذیرفت و به دلیل اصرار وزیر بنا را بر استخاره نهاد که با نامساعد آمدن استخاره از وزیر وقت خواست با درخواست بازنشستگی او نیز موافقت کند که وی در سال ۱۳۵۲ ه‍.ش از دستگاه دادگستری مستخلص شد.

او سال‌های ۱۳۵۲ ه‍.ش تا ۱۳۷۶ ه‍.ش پایان عمر خود را به مطالعه و تأمل در حوزه ادیان و آئین‌ها؛ فرهنگ و تمدن، شعر و ادب؛ تاریخ و مردم‌شناسی سپری نمود. آثار فراوانی را به رشته تحریر درآورد ولیکن در چاپ و انتشار آنها بسیار سختگیر و پرملاحظه بود. اکثر اوقات خود را در کتابخانه شخصی خود که دارای آثار فراوانی از منابع و ماخذ فارسی، منابع تاریخی فرهنگی، حقوقی - اجتماعی بود می‌گذراند تمامی کتاب‌های کتابخانه خود را به دقت می‌خواند و در حاشیه‌ی آنها مطالب قابل تأمل در صحت و سقم مطلب و بیان دیدگاه‌های خود می‌نگاشت. به گونه‌ای که امروز حاشیه‌نویسی‌های او بر کتابخانه شخصی خود حاوی تأملات دقیق علمی است. تا کتابی را با دقت و گاه چندین نوبت نمی‌خواند در خصوص مطالب آن اظهارنظر

نمی‌کرد و کتاب تازه‌ای نمی‌خرید زیرا می‌گفت من از کتاب‌های دقیق نخوانده خجالت می‌کشم.

بیشتر اوقات خود را به مطالعه و پژوهش می‌گذراند و ساعت‌ها در خصوص محتوای کتب و رسائل، پس از تأمل فراوان با اصحاب فکر و نظر گفتگو می‌کرد. در اظهارنظر پیرامون موضوعات علمی بسیار محتاط و دقیق بود. کمتر اثری را می‌توان نام برد که او نخوانده و یا از آن بی‌اطلاع باشد. گذشته از آثار فارسی با ادبیات و میراث ادبی اروپا خوب آشنا بود در نگارش؛ نثر بسیار روان و شفاف داشت. خوب سخن می‌گفت و سخن خوب فراوان می‌گفت. به آنچه در مطالعه و پژوهش رسیده بود پای‌بند بود ولی در عین حال در مقابل سخن دقیق و منطق حق دیگران تسلیم بود. در اظهارنظر بی‌پروا و گستاخ نبود. دیده نشد بی‌مهابا به گفتار دم‌زند و گمانه‌زنی نابخردانه کند.

تقوای زبان و سخن داشت با هر کس به فراخور عقل و رأیش سخن می‌گفت. به خوی و خصلت مردمان بغایت آگاه بود و فرهنگ عامه مردم را به‌خوبی می‌شناخت و پیوسته نکته‌ها و حکایات عامی برای آنان بازگو می‌کرد و این از خردمندی و فرهیختگی او بود. در خصوص حقوق دیگران بسیار محتاط بود. در اعتقادات خود بسیار راسخ و ثابت قدم بود. ارادت و دل‌دادگی‌اش به امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام شهرت داشت و مقام خادمی آن امام همام را پیوسته افتخار خود می‌دانست.

پایبند به سنت‌های دیرینه دینی، فرهنگی و ملی بود علی‌رغم اینکه بخشی از عمر خود را در بستر فرهنگی مغرب زمین سپری

نموده بود ولی در گفتار و کلامش جز سخن از ایران و مفاخر و مشاهیر و ارزش‌ها معنوی ایران و اسلام نبود. همگان را به سنت‌های ملی و ایرانی خود فرا می‌خواند. در خلیقات بسیار گشاده‌رو و بذله‌گو و خوش‌مجلس بود. گفتگوی با او هر چقدر بیشتر به طول می‌انجامید، بیشتر پرجاذبه و دلنواز می‌گردید. به دیگران همواره امید و شوق به زندگی، تعالی و پیشرفت می‌داد. بسیار مؤدب و پایبند به اصول اخلاقی و رفتارهای انسانی بود. ظاهری آراسته و منظم داشت. در شنیدن سخنان دیگران حوصله و طاقت فراوان داشت. در هدیه گشاده‌دست بود. هرچند عمر را با همان مستمری دوره تقاعد می‌گذراند. تا اواخر عمر از داشتن منزل شخصی بی‌نصیب بود و همواره عمر به اجاره‌نشینی می‌گذراند.

دلبستگی به دنیا نشان نمی‌داد و می‌گفت: «اگر چشم تتگ بعضی از مردمان نبود به یک روشنائی قناعت داشتم». بر سفره‌اش چندین طعام نمی‌گذاشت و به غایت محتاط سلامت روح و جسم بود. ویژگی‌های او، وی را برای نزدیکان الگو و اسوه نموده بود. توصیه‌ها و اندرزهای او به نزدیکان هنوز آویزه گوش آنان و بیان حکایات و لطائف و ظرائف او پیوسته در خاطر آنان است. از گذشته‌های دور اهل ذوق و هنر بود و به هنر عشق می‌ورزید. آواز خوشی داشت و از مرام و خلق پهلوانی بی‌نصیب نبود در جوانی نیز پیوسته به زورخانه می‌رفت و آئین پهلوانی به جای می‌آورد. از دوران موانست با او حکایت‌ها دارم که دیگر در اینجا مجال سخن نیست.

دکتر صفوی چندین بار دچار سکته قلبی شده بود. دوره‌ای از بیماری گوارشی رنج می‌برد. هفته‌های آخر عمر از بیماری قلب در

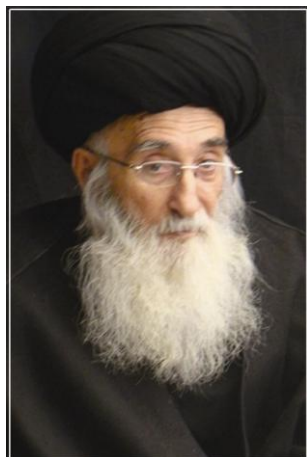
رنج بود و شکایت می‌کرد و سرانجام در فروردین سال ۱۳۷۶ به دیار  
باقی برگشت. یاد و خاطره‌اش جاودان باد.<sup>۱</sup>

---

۱. نوشته پدرم جناب آقای دکتر سیّد عبدالمجید میردامادی (داماد مرحوم آیه‌الله  
حاج سیّد مهدی امامی سدهی).

## فصل ششم:

**بزرگ احیاگر شعائر فاطمی و حسینی آیه الله حاج سید  
مهدی امامی سدهی اعلی الله مقامه الشریف  
(۱۳۰۹-۱۳۹۳ش) = (۱۳۴۹-۱۴۳۶ق)**



**پدر:** مرحوم آیه الله حاج سید  
نورالله امامی  
**مادر:** حاجیه فاطمه خانم  
دختر مرحوم آیه الله العظمی حاج  
شیخ جمال الدین نجفی اصفهانی

### ولادت

آیه الله حاج سید مهدی امامی  
سدهی در سال ۱۳۰۹ش در محله  
فروشان سده در خاندان علم و فقاہت پا به عرصه ی گیتی نهادند.

### تحصیلات و اساتید

ایشان ۶ کلاس به مدرسه ی ابتدایی دولتی رفتند و مقدمات  
علوم حوزوی را در سن صباوت آغاز نمودند. سپس به اصفهان و

مدرسه‌ی صدر اصفهان رفته و سیوطی را نزد حاج شیخ فاضل خواندند. مدّتی را به مدرسه‌ی جدّه کوچک رفتند و تحصیل کردند و مغنی را در مسجد سید و نزد یکی از سادات روضاتی کسب فرمودند. معالم و مقدمات روائی آن را نزد حاج میرزا علی آقا شیرازی خواندند و بعد به قم جهت ادامه تحصیل عزیمت نمودند.

#### **عزیمت به قم**

لمعتین را نزد مرحوم آیه‌الله شیخ محمدتقی ستوده و کفایتین را در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) نزد مرحوم آیه‌الله سید محمدباقر سلطانی خواندند.

سکونت ایشان در مدرسه‌ی فیضیه بود و با مرحوم آیه‌الله شیخ عبدالجواد سدهی جبل عاملی، هم‌حجره بودند.

#### **عزیمت به مشهد مقدس**

ایشان برای استفاده از مجلس درس مرحوم شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، مدّتی را به مشهد مقدس رفتند و مرحوم آیه‌الله شیخ محمود حلبی نامه‌ای به آیه‌الله میرزا جواد آقا تهرانی نگاشت و سفارش کرد که ایشان را حجره‌ای داده و احترام کنند و در مدرسه نواب اقامت گزینند.

#### **مراجعت به قم**

به هنگام اقامت در مشهد پدر برزگوارشان مرحوم حاج آقا نورالله، امر کردند که به قم برگردند و در درس خارج آیات عصر شرکت کنند.

از آن پس ایشان در درس فقه آیه‌الله العظمی بروجردی در

مسجد بالاسر در حرم مطهر شرکت می‌نمودند و با آیه‌الله العظمی منتظری و آیه‌الله العظمی شیخ علی صافی گلپایگانی، هم‌درس گردیدند.

همچنین سال‌ها در درس فقه آیه‌الله العظمی گلپایگانی، آیه‌الله سید محمد داماد حاضر شده و با آیه‌الله العظمی جوادی آملی و آیه‌الله سید محمدحسن لنگرودی هم‌درس گردیدند.

و نیز درس اصول حضرت آیه‌الله خمینی رحمه‌الله در مسجد سلماسی شرکت کردند و با آیه‌الله العظمی شیخ جعفر سبحانی، هم‌دوره بودند. ایشان همچنین وکیل حضرت آیه‌الله خمینی رحمه‌الله نیز بودند.

همچنین ایشان مدت‌ها در درس آیه‌الله العظمی شیخ هاشم آملی لاریجانی حاضر شدند.

آیه‌الله حاج سید مهدی امامی سده‌ی بیستم دوره‌ی نه‌ایه‌ی الدرایه، شرح کفایه‌ی الاصول مرحوم آیه‌الله العظمی شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) را در جمع مباحثه‌ی کمپانی حضرات آیات: منتظری، شیخ عبدالجواد جبل عاملی، میرزا عطاءالله خوزانی و مرحوم حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری (امام جمعه سابق اراک) به پایان بردند.

ایشان ضمناً در درس مرحوم علامه‌ی طباطبائی و آیه‌الله شیخ محمدباقر محسنی ملایری نیز شرکت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### عزیمت به نجف اشرف

ایشان، مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف و در درس

---

۱. شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و خاندانش، ص ۵۷۸.

آیه‌الله العظمی خوئی، آیه‌الله العظمی سید محمود شاهرودی بزرگ و آیه‌الله العظمی حکیم حاضر شدند.

### مراجعت به خمینی‌شهر

به جهت بیماری و به طبع مراجعت عمومی خود، فقیه عالی‌مقام مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام، به ایران بازگشتند و تحت تعلیم و تربیت عمومی والامقامشان که خود از اعظم و فقه‌های زمان بودند، قرار گرفتند.

سال ۱۳۵۰ هـ.ش مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام سدهی در حسینیه‌ای میان بازار خمینی‌شهر که تحت عنوان تکیه حاج حسن مشهور بود مدرسه‌ی علمیه‌ای به نام خویش تأسیس نمودند و تدریس خارج فقه و اصول را در آن مکان مقدس آغاز کردند که از جمله شاگردان مورد نظر ایشان اخوی‌زاده بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی بودند.<sup>۱</sup>

### مجالس تدریس

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی از آغاز تأسیس مدرسه‌ی علمیه به تدریس سطوح در این مدرسه گردیدند و مباحثی چون شرح لمعه، مکاسب، رسائل و کفایة الاصول را تدریس فرمودند. ایشان تا یک سال قبل از ارتحال مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام سدهی به تلمذ خویش ادامه دادند و با اهتمام تمام محضر این عالم

---

۱. بخشی از قسمت تحصیلات و اساتید از دست‌نوشته‌های داماد مکرمشان حضرت حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد مهدی ارگانی بهبهانی رحمته‌الله استفاده شده است.

فرزانه و عموی مهربان خود را درک می‌نمودند. بعد از آن که مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام دچار کسالت گشتند و ملزم بستر بیماری شدند در ماه‌های آخر عمر شریف خویش مسئولیت مدرسه‌ی علمیه را به مرحوم جد (آیه‌الله حاج سید مهدی امامی) سپردند.

آیه‌الله حاج سید مهدی امامی بعد از ارتحال ملکوتی مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام با همراهی بزرگان و علمای سده به تدریس در آن مکان مقدس، ادامه دادند تا اینکه کسالت بر ایشان عارض گردید. ایشان در تدریس علوم الهیه، احکام شرعی و اخلاق محمدیه، نهایت اهتمام را داشته و شاگردان متعددی، در این راستا تربیت و تعلیم نمودند که هم‌اکنون در اصفهان و استان‌های اطراف مشغول ترویج علوم الهیه هستند.<sup>۱</sup>

### مشایخ روایت و مجازین از وی

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی از بزرگانی اجازه‌ی روایت دریافت نمودند که از جمله مشایخ اجازه ایشان می‌توان به علامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، آیه‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، و آیه‌الله شیخ محمدباقر محسنی ملایری اشاره کرد. از مجازین ایشان می‌توان به مرحوم فاضل فرزانه حاج شیخ محمود ارگانی بهبهانی<sup>۲</sup> و فرزندان ایشان حجج اسلام آقایان: شیخ

---

۱. ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه‌ی علمیه اصفهان در طول تاریخ، ج ۲، ص ۵۱۴.

۲. قسطاس الموازین فی المجیزین والمجازین، ج ۱، ص ۳۵۶.

محمد مهدی، شیخ محمد رضا و شیخ محمد حسن ارگانی بهبهانی.  
- علامه‌ی ادیب، شاعر توانا، سید عبدالستار الحسنی البغدادی  
حفظه الله.

- حجة الاسلام سید صادق حسینی اشکوری (ره).  
- حجة الاسلام والمسلمین سید رضی الدین مرتضوی  
لنگرودی (ره).

- فرزندان حجة الاسلام والمسلمین سید نورالله امامی (ره).  
- صاحب این قلم فقیر الی الله تعالی سید محمد داود میردامادی،  
حفید آن مرحوم، اشاره کرد.

### تألیفات

مرحوم آیه الله حاج سید مهدی امامی تا یک سال قبل از  
ارتحال ملکوتی خویش که قادر به نوشتن بودند، اکثر اوقات شریف  
خویش را به تألیفات متعدد اختصاص داده بودند.  
ایشان بیش از ۴۰ مجلد از قلم مبارک خویش به جای  
گذاشته‌اند که ان شاء الله تعالی در آینده بسیار نزدیک تحت طبع خواهد  
آمد. ان شاء الله  
از جمله مخطوطات این عالم ربانی، می‌توان به کتاب‌های زیر  
اشاره نمود:

- ۱- تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی.
- ۲- شرح حال عقیده‌ی بنی‌هاشم حضرت زینب (علیها السلام) که تحت  
طبع است.
- ۳- رساله‌ای در ادعیه.
- ۴- رساله‌ای در تقوی.

۵- رساله‌ای در فضیلت علم و تاریخ علماء.

۶- مجموعه‌ی سفرنامه‌ها که در حدود ۶ جلد می‌باشد.

۷- خاطرات: این عالم جلیل‌القدر تمام زندگی خویش و اتفاقاتی که در طول عمر با آن مواجه می‌شدند را در دفاتر خویش ثبت می‌کردند. و در نقل دیدار با علماء، اخبار ارتحال علماء، سیره بزرگان و مشاهیر، دیدارها و خاطرات شیرین و شنیدنی را با قلم خود ثبت کرده‌اند. و صد البته این خاطرات از زبان شیرین خودشان بسیار شنیدنی‌تر بود.

**نمونه‌ای از اشعار**

علاقه‌ی این فقید فرزانه به شعر و ادب بسیار وافر بود. در مجالس متعدد که شرکت می‌کردند، درضمن مباحث علمی، ابیات مختلفی به عنوان شاهد مثال بیان می‌نمودند. از خصائص مثال‌زدنی ایشان، تطبیق مضامین و تعبیر شعرا با رثای ائمه اطهار علیهم‌السلام بود که تا آن زمان ذوق و ذهن کسی متمایل به آن نشده بود.

این عالم جلیل‌القدر تا لحظه‌های آخر عمر شریف خویش به این علاقه پایبند بوده و به بنده می‌فرمودند که دوانین عدیده اشعار مختلف را برای ایشان قرائت کنم، و اگر لغتی به اشتباه از زبانم برمی‌آمد ایشان بلافاصله متذکر می‌شدند، و این دقت نظر ایشان در روزهای آخر عمرشان برای همگی جای تعجب بود.

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی شاعری توانا و ادیبی متبحر بودند. از این عالم ربانی اشعار متعدد به جای مانده است که در آن به «خطائی» تخلص کرده‌اند.

برای نمونه یکی از اشعار ایشان را تقدیم می‌کنم:  
هر که نوشید می شوق عصیانش نیست  
و آنکه محو تو شد اندیشه‌ی حرمانش نیست  
دل به حسن تو مقید شد و جاوید بماند  
که ز فکر تو برون آمدن آسانش نیست  
تا به کی فکر توان کرد و سخن تازه نوشت  
قصه‌ی شوق حدیثی است که پایانش نیست  
قبله‌ام روی تو و کعبه‌ی دل کوی تو شد  
آتش شوق حریقی است که پنهانش نیست  
چون قلم نام تو بنوشت ز شادی بگریست  
که به جز از دل خندان مژه گریانش نیست  
گفتم ای شاه نگاهی به من عاصی کن  
کاین سعادت به کمالی است که نقصانش نیست  
خون دل خورد (خطائی) که شود محرم راز  
تحفه‌ای خوب‌تر از اشک به دامانش نیست  
هر جراحت که دلم داشت به محرم به شد  
داغ کویت که به جز وصل تو درمانش نیست  
شد ز شرم قلمت خضر نهان در ظلمت  
که به جانبخشی آن چشمه‌ی حیوانش نیست  
عشق او واقعه‌ای نیست که آخر گردد  
هرچه آغاز ندارد غم پایانش نیست

ما به ایمان قوی بر سر پیمان هستیم  
آنکه پیمان شکند، قوت ایمانش نیست  
وقف در شور حسینی شده شیدا تن و جان  
گر خطائی به (خطائی) است ز جانانش نیست

### **توسعه، تولیت، بازسازی و احیاء حسینی و تکیه حاج حسن**

مرحوم آیة‌الله حاج سید مهدی امامی، بعد از ارتحال مرحوم آیة‌الله حاج آقا امام تولیت حسینی و تکیه حاج حسن که توسط مرحوم حاج آقا امام درون آن مدرسه‌ی علمیه‌ای تأسیس شده بود را پذیرفتند و تمام امور را تحت اشراف و نظارت خویش قرار دادند.

ایشان این حسینی را بسیار مقدس می‌خوانده و محترم می‌شماردند. از این جهت در ایام سال مجلس روضه‌خوانی و ذکر مصیبت ائمه اطهار علیهم‌السلام برپا می‌شد. ایشان این حسینی را برای مکان عزاداری در اختیار مردم شهر قرار می‌دادند. علاوه بر این که خود بنیانگزار مراسم عزاداری در این مکان مقدس بودند که در آینده بیان خواهد شد. ان شاء الله

ایشان تعمیرات چشمگیری در حسینی‌ی مذکور به مرحله‌ی اقدام و انجام رساندند که از آن جمله اقدامات بدین صورت است:

- ۱- مسقف کردن حسینی و تکیه.
- ۲- تعمیر کتابخانه‌ای که مرحوم آیة‌الله حاج آقا امام تأسیس کردند.

۳- ساخت زیرزمینی تحت عنوان مدرس علمی.

۴- ساختن آشپزخانه جهت پذیرایی از عزاداران حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام.

- ۵- خریداری فرش برای مجالس مختلف در صحن حسینی و حجرات اطراف حسینی جهت مباحثه طلاب.
- ۶- خرید دستگاه‌های رایانه جهت تنظیم امور و تدوین برنامه‌های مربوطه.
- ۷- خرید برخی از زمین‌های اطراف حسینی و توسعه‌ی آن.
- هم‌اکنون نیز، به هدف گسترده‌ی کتابخانه و تکمیل مجلدات آن برآمدیم.

**توسعه، بازسازی، تولیت، احیاء و امامت جماعت مسجد جامع فروشان**  
**توسعه:** مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی بلافاصله پس از ارتحال مادرشان منزلی که در کنار مسجد جامع فروشان قرار داشت را خریداری نمودند، سپس تحت نظارت مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله پدر بزرگوارشان و همچنین همکاری برادرشان مرحوم دکتر سید محمدباقر صفوی بخشی از آن را با قرائت صیغه‌ی مسجد، قسمتی از مسجد قرار داده و باقی از آن را تحت عنوان مقبره‌ی خانوادگی نام نهادند و بدن مطهر مادر جلیل‌القدر خویش را در مکان مذکور دفن نمودند. پس از گذشت مدتی به ترتیب بدن مطهر مرحوم پدرشان حضرت آیه‌الله حاج آقا نورالله، مرحوم عمو، حضرت آیه‌الله حاج آقا امام، مرحوم برادر، جناب آقای دکتر سید محمدباقر صفوی و نهایتاً متعلقه‌ی مرحوم آیه‌الله حاج آقا امام را در آن مکان مقدس دفن نمودند.

ایشان پس از ارتحال مرحوم مادرشان، با همکاری برادرشان مرحوم دکتر سید محمدباقر صفوی، تحت نظارت پدر بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله امامی مکان مذکور، که خانه‌ای تقریباً

قدیمی بود را تخریب و سپس بازسازی کردند و توسط ایشان به حیاط مسجد جامع فروشان متصل گردید.

از دیگر فعالیت‌های ایشان در زمینه توسعه، خریداری مکانی در بازار تحت عنوان سرویس بهداشتی برای نمازگزاران محترم بود، که هم‌اکنون مورد استفاده نمازگزاران و کسبه‌ی دوشنبه بازار می‌باشد. ایشان در کنار مسجد جامع فروشان، آشپزخانه‌ای برای اطعام عمومی هیئت حضرت اباالفضل علیه السلام تأسیس نمودند.

**بازسازی:** مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی رحمته الله در مراحل مختلف جهت بازسازی مسجد جامع فروشان اقدام نمودند. همزمان با سکنه‌ی مغزی ایشان در سال ۱۳۸۴ هـ.ش محراب قسمت چهل ستون مسجد جامع تخریب شد. ایشان پس از بهبودی در امر بازسازی قسمت چهل ستون دستورات لازم را فرمودند و با تعمیر محراب، دیگر معایب محدوده‌ی چهل ستون را رفع نموده و مقدمات زیبایی مکان مذکور را فراهم آوردند. بعد از گذشت مدتی در صدد بازسازی شبستان زمستانه‌ی مسجد جامع فروشان برآمدند و به حسب امر ایشان هیئت امنای محترم مسجد جامع فروشان با اداره‌ی اوقاف شهرستان خمینی‌شهر هماهنگی نموده و اقدامات لازم را انجام دادند که هم‌اکنون مشغول بازسازی نهایی این مکان مقدس هستند.

**تولیت:** بعد از ارتحال ملکوتی مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله تولیت مسجد جامع فروشان از ایشان به فرزند بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی انتقال یافت و هم‌اکنون نیز پس از ارتحال ایشان به فرزندشان حجة الاسلام والمسلمین سید محمد موسی امامی رحمته الله منتقل شد.

**امامت جماعت:** مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در زمان حیات پدرشان مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله در امر امامت جماعت، پدر را همراهی می‌نمودند.

در سال ۱۳۵۶ ه‍.ش مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله به دلیل شدت کسالت قادر به حضور در مسجد جهت برگزاری نماز جماعت نبودند و از این رو فرزند بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی به عنوان نائب ایشان در مسجد جامع فروشان حضور می‌یافتند و بعد از ارتحال مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله به صورت رسمی این امر را متقبل شدند، و تا زمانی که از نظر جسمانی قادر به اقامه جماعت بودند، ترک محراب نکردند.

ایشان پیوسته در دو نوبت ظهر و شب اقامه‌ی نماز جماعت نموده و در ایام ماه مبارک رمضان، وعده‌ی صبح را نیز برای اقامه‌ی نماز جماعت حضور داشته، و همچنین پس از طلوع آفتاب روز عید سعید فطر نماز عید را با شکوه خاصی برگزار می‌کردند و سپس به منبر رفته و به ایراد خطبه‌های نماز عید می‌پرداختند.

### **احیاء و رونق مسجد جامع فروشان**

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در طول سال به صورت دائم سخنرانی بر ارشاد مردم مبادرت داشتند که در میان تمام سخنرانی‌های کم‌نظیرشان می‌توان به چند نکته اشاره نمود.

ایشان در طول ماه مبارک رمضان، ظهرها تا قبل از کسالتشان پس از اتمام صلاتین، احکام الهی را برای مردم متدین خمینی‌شهر بر فراز منبر بیان نموده و اکثر مطالب را به صورت موضوع‌بندی و دوره‌ای بیان می‌نمودند. از مجالس ایشان در ایام ماه مبارک رمضان منبرهای

شب‌های پرفیض قدر ایشان است که حقیقتاً مثال‌زدنی است. ایشان در ۳ شب قدر مراسم احیا برپا می‌داشت و همچنین شب ۲۷ ماه مبارک رمضان را نیز احیا می‌گرفتند. سخنان ایشان در شب‌های مذکور به قدری دلنشین بود که نهایت ارادت کم‌نظیر ایشان به مولانا المظلوم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را نشان می‌داد و بنده به یاد دارم که شب‌های پرفیض قدر برای شرکت در مراسم احیاء مسجد جامع فروشان از شهرهایی همچون یزد و تهران حضور پیدا می‌کردند که از افاضات این عالم جلیل‌القدر مستفیض گردند و دعای پرفیض قرآن را همراه ایشان قرائت کنند.

یکی از مهم‌ترین علل رونق و احیاء مسجد جامع فروشان، جلسات دهه‌ی عاشورائی بود که توسط این فقید سعید برگزار می‌گردید و اهتمام مثال‌زدنی ایشان جهت باشکوه برگزار شدن مجلس ارباب بی‌کفنشان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بود. ایشان از شب اول ماه محرم الحرام در مسجد جامع فروشان بر فراز منبر رفته، سخنرانی و عزاداری می‌کردند. در تمام شب‌های دهه‌ی عاشورا از بدو جلوس بر فراز منبر منقلب بودند و تا آخرین دقائق مجلس با حالت توسل خویش، مردم حاضر در آن مجلس را از خود بی‌خود می‌کردند. در طول دهه‌ی عاشورای حضرت سید الشهداء علیه السلام با اینکه تمام توان خویش را برای سخنرانی و عزاداری بذل می‌نمودند، مع الوصف بعد از آن می‌نشستند و تا آخرین دقائق مجلس همراهی می‌کردند.

مهم‌ترین منبرهای ایشان در طول دهه‌ی عاشورا، شب‌های تاسوعا و عاشورا بود که بنده یاد دارم گاهی ایشان حدود دو ساعت و

۴۵ دقیقه بر فراز منبر سخنرانی کرده، دائماً اشک ریخته و مستمعین از این حالت عزای ایشان منقلب می‌شدند، بالاخص در شب عاشورا که نحوه‌ی عزاداری این عالم ربانی حقیقتاً کم‌نظیر و شاید بتوان گفت بی‌نظیر بود. از بدو شروع منبر می‌خواندند: «این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌ی اوست / این چه شمعی است که جان‌ها همه پروانه‌ی اوست» و در نهایت روی پا می‌ایستادند و عمامه از سر برداشته، آن را باز می‌کردند و به دور گردن می‌انداختند و صیحه می‌کشیدند، آنچنان در عزای جد غریبشان امام حسین (علیه السلام) از خود بی‌خود می‌شدند و با دست بر سر و صورت می‌زدند که از حال و هوای ایشان صدای یا حسین مردم، در و دیوار مسجد را می‌لرزاند. این حقیقتی بود که برای آیندگان ما همچون افسانه خواهد ماند. عمری در عزای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) ناله‌ها سر داد و اشک‌ها ریخت و به سر و صورت زد که از صداقت قلب و اخلاص وجود پاکش تمام مردم شیفته‌ی ایشان بودند و سرانجام به برکت وجود این عالم ولایی، خمینی‌شهر را حسینی‌ه‌ی ایران نامیدند و ایشان الحق و الانصاف بزرگ احیاگر شعائر حسینی بودند.

از کوچک‌ترین نتایج زحمات ایشان جمعیت مثال‌زدنی در شب عاشورای سال ۱۳۸۳ ه‍.ش که به عبارتی آخرین سالی بود که ایشان اقامه‌ی نماز جماعت کردند. آن سال مرحوم آیه‌الله امامی امامت جماعت مردانه در چهل ستون و فرزند گرامی ایشان حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید محمد موسی امامی حفظه الله امامت جماعت خواهران را در شبستان زمستانه به جای آوردند.

ارادت این بزرگ احیاگر شعائر حسینی نسبت به ارباب

بی‌کفنش اباعبدالله الحسین (علیه السلام) این بود که حتی در زمان کسالت خویش با اینکه شرایط ایشان مساعد سخنرانی نبود ولی تا آخرین سال حیاتشان شب عاشورا اگر حتی برای چند دقیقه صحبت هم بود، دریغ نمی‌کردند و با همان چند کلمه، حالت شب‌های عاشورای همیشگی را برای مردم زنده می‌نمودند.

از دیگر اقداماتی که موجب رونق و احیاء مسجد جامع فروشان گردید تأسیس هیئت حضرت ابوالفضل العباس سلام الله علیه بود که به حسب فرمایش مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی انجام گردید. ایشان ارادت خاص و ویژه‌ای به حضرت قمر بنی‌هاشم، ابوالفضل العباس (علیه السلام) داشتند. به گونه‌ای که هرگاه از هیئت مادحین و واعظین، محضر ایشان شرفیاب می‌شدند، مرحوم آقا از بدو شروع مجلس اشعاری در رثای حضرت ابوالفضل (علیه السلام) می‌خواندند و حاضرین در مجلس استفاده می‌کردند و همچنین اشعار نادر و کم‌یابی در اختیار مادحین و واعظین مختلف قرار می‌دادند که اولین از اشعار، اشعاری در مدح و ثنای قمر بنی‌هاشم، حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) بود که این خود نشانگر ارادت و علاقه خاص ایشان به محضر مقدس و منور عمویشان حضرت عباس (علیه السلام) بود. از این بابت این هیئت را تأسیس و حتی در دوران کسالت و تقاهت خویش شب‌های هیئت (شب‌های پنج‌شنبه) در این مجلس حضور بهم می‌رساندند و گاهی هم بر پله‌ی اوّل منبر نشسته و برای مردم سخنرانی می‌نمودند. همیاری و همدلی ایشان با تمام اقشار جامعه تا ابدالدهر در خاطرات خواهد ماند.

در شب‌های پنج‌شنبه که به نام مقدس هیئت حضرت ابوالفضل (علیه السلام) تبرک یافته بود، تمام مردم مسجد جامع فروشان،

سیاهپوش شده و برای حضرتش سینه‌زنی و زنجیرزنی کرده و ارادت خویش را ابراز می‌نمودند.

دیگر اقدامی که مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در راستای رونق‌بخشی به جامعه‌ی تشیع برپا داشتند و در ضمن این اقدام، مسجد جامع فروشان هم تحت الشعاع واقع شد، برنامه‌ی خواندن زیارت ناحیه‌ی مقدسه، شام جمعه‌ی هر هفته در مسجد جامع فروشان بود.

قبل از شروع این حرکت مثال‌زدنی، مردم آشنایی و هیچ‌گونه معرفتی نسبت به متن، حواشی و ارزش معنوی زیارت ناحیه‌ی مقدسه نداشتند و عده‌ای در هدف تضعیف سندیت این زیارت مقدسه برآمدند از این رو به مرور زمان این متن در آستانه‌ی فراموشی قرار گرفته بود که مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی کما فی السابق، با تدابیر بی‌نظیری که در طول عمر شریف خویش می‌اندیشیدند، این سنت را احیا نموده و برنامه‌ی هفتگی قرائت زیارت ناحیه‌ی مقدسه را برپا کردند، نتیجه‌ی شعاع اقدام ایشان ابتدا در مسجد جامع و برای مردم خمینی‌شهر و نهایتاً در استان‌های اطراف کشیده شد، و این عالم فرزانه مسبب احیای این زیارت مقدسه شدند و هم‌اکنون مجالس توسلی در کل کشور به واسطه زیارت ناحیه مقدسه برقرار شده است.

#### **پرداخت هزینه‌ی چاپ مجلد نصوص بر ائمه معصومین علیهم‌السلام** **کتاب عوالم العلوم شیخ عبدالله بحرانی**

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی، اهتمام زیادی در احیاء تراث و میراث مکتوب گذشتگان داشتند و در این زمینه از تأمین هزینه‌های مربوطه دریغ نمی‌ورزیدند و تمام توان خویش را در جهت

تحقق آن قرار می‌دادند.

نمونه‌ی آن کتاب شریف عوالم العلوم بوده که ایشان تمام هزینه‌ی مربوطه را متقبل شدند. بحسب قول ناشر کتاب فوق الذکر، مبلغی که مرحوم آیه‌الله امامی برای مجلد مربوطه پرداخت نمودند در آن زمان برابر با خرید دو منزل کامل واقع در (خیابان چهار مردان) شهر مقدس قم بوده است.

### **تواضع کم‌نظیر و مردم‌داری**

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی با مردم در هر سطح و رتبه، همنشین می‌شدند، با جوان‌ها بسیار مأنوس بودند و گاه ساعتی با یک رعیت ساده می‌نشستند و به صحبت‌هایش گوش فرا می‌دادند. ایشان در مردم‌داری در عصر و منطقه‌ی خود بی‌نظیر بودند. در تمام مجالس شرکت کرده و دعوت همه را می‌پذیرفتند و با همه رفت و آمد داشتند و حتی به طبقات پایین اجتماع نیز رسیدگی می‌کردند و از احوال ایشان مطلع بودند و هیچ امری برای ایشان جز دین و رسیدگی به امور مردم مهم نبود.

### **خریداری و تأسیس حسینیه‌ی فروشانی‌ها در شهر مشهد مقدس**

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در سال ۱۳۶۷هـ.ش زمینی در نزدیکی حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) خریداری نمودند و در آن زمان حدود نیمی از هزینه را خودشان پرداخت کرده و مابقی مبلغ مربوطه را به صورت قرض از مردم خمینی‌شهر استقراض کردند.

این مکان مقدس تقریباً پشت بیت مرحوم آیه‌الله العظمی حاج

سید حسن قمی اعلی الله مقامه الشریف واقع است که هم‌اکنون مردم متدین خمینی‌شهر برای زیارت مولای خویش حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، در این مکان مقدس ورود می‌کنند.

ایشان همیشه می‌فرمودند: «این حسینیّه برای مردم است و وقف مردم فروشان است و ایشان می‌توانند بدون پرداخت هزینه در این مکان سکنی بگزینند».

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی برای این مکان، وقف‌نامه‌ای تنظیم نموده و به صورت مکتوب تحت نظارت تمامی مراجع وقت قرار دادند و وقف‌نامه‌ی مذکور مورد تأیید تمامی مراجع عظام تقلید واقع گردید.<sup>۱</sup>

#### مقبول علماء و مراجع تقلید

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی یک شخصیتی اجتماعی بودند و لذا از زمان کودکی در روابط خویش دقت نظر داشته و همیشه مشتاق همنشینی با بزرگان و مفاخر بودند، از این بابت بود که تمام تلاش ایشان در راستای استفاده‌ی علمی و معنوی از محضر اساتید و مراجع عظام بود.

ایشان از بدو ورود خویش به هر کدام از استان‌های کشور ابتداء دیدار علماء آن خطه را در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌دادند، از این بابت بود که مورد توجه تمام علماء زمان خویش قرار گرفتند.

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در مراوده و معاشرت با

---

۱. خمینی‌شهر، شهری که باید از نو شناخت، ص ۱۱۱.

علماء، بسیار مبادی آداب و ملتزم به لوازم اخلاق حسنه و منشی عالمانه بودند.

ایشان به بنده می‌فرمودند مرحوم آیه‌الله العظمی سید محمد روحانی رحمه‌الله از ادب و حسن معاشرت من همیشه تعریف می‌نمود و در حضور من از حسن آداب و معاشرت من برای حاضرین مثال می‌زد. مقبولیت ایشان برای علمای زمان خویش به قدری بود که مرحوم آیه‌الله العظمی روحانی رحمه‌الله ایشان را به عنوان وصی خویش انتخاب کرده بودند و مورد اطمینان مراجع زمان خود گردیده بودند. این حقیقت در مجالس ترحیم و بزرگداشت ایشان در سده و شهرهای مختلف کشور امری مشهود بود.

مراجع و اعظام حوزه، به بزرگی ایشان، متفق‌الرأی بودند و کسی را در منطقه، معارض وی نمی‌دیدند و در معنای حقیقی کلمه، آقا بودند و در دل مردم جای داشتند و تأثیرگذارترین شخصیت علمی و اجتماعی و مردمی گردیدند.

### **هوش و حافظه‌ی فوق‌العاده**

فضای حوزه‌های علمیه بر این حقیقت اذعان داشتند که مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی، دائرة المعارفی از معارف و دانستنی‌های علمی و اخلاقی بودند. از بیان تاریخ، حکایات، حوادث و مجالس، مجلس انس و الفتی داشتند و هر موضوعی را به‌گونه‌ی کامل با جزئیات بیان می‌کردند و مطلبی را فراموش نمی‌کردند حتی تا آخرین شب حیات خویش، حافظه کامل داشتند و بسیار هوشیار و پرحافظه بودند.

### زیبایی چهره

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی جذایبیتی که در ظاهر داشتند بسیار فوق‌العاده بود. نورانیت چهره‌ی این فقیه صمدانی، وقار و متانت رفتار و گفتارشان پیوسته از ایشان چهره‌ای محبوب در انظار به نمایش می‌گذاشت. به‌گونه‌ای که مراجعه‌کنندگان را از قبیل اساتید بزرگ حوزه‌های علمیه، علماء اعلام، واعظین و خطباء خطبه‌های گوناگون کشور، شاگردان و تمامی مردم اهل ایمان، مجذوب و متحیر در سیمای نورانی و مبارک ایشان می‌گشتند که بر دست ایشان از باب عرض ادب و احترام بوسه می‌زدند.

ایشان به جد پدری بزرگوار خویش مرحوم آیه‌الله العظمی حاج آقا میر سید علی شباهت قابل توجهی داشتند، و همچنین این شباهت نسبت به جد مادری عظیم الشان‌شان مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ جمال‌الدین نجفی در چهره ایشان محسوس بود.

### گریه‌ی زیاد

ایشان بگآء بودند و گاه در نقل برخی حکایت‌ها و یا ذکر مصائب امام حسین (علیه‌السلام) تا حدی منقلب می‌شدند که کلامشان مفهوم نبود.

ایشان همانند جد مادری بزرگوارشان مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ جمال‌الدین نجفی بسیار بگآء بودند و شب‌های جمعه را احیاء می‌کردند. ایشان حتی با شنیدن نام علماء هم گریه می‌کردند و همچنین با ذکر خیر استادشان، مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی گریه می‌افتادند.

این عالم فرزانه، حتی در اواخر عمر شریف خویش، علی‌رغم

بیماری شدید و عدم تحرک، تهجدهای شبانه و ناله‌هایی در دل شب داشتند.

بنده مکرراً خدمت ایشان، شب تا به صبح بودم، این عالم زاهد اکثر اوقات نیمه شب را بیدار بودند و دائماً لب‌های مبارکشان تکان می‌خورد. بنده هر زمانی که این حالت را در صورت ایشان ملاحظه می‌کردم فرمایش‌هایشان برایم تداعی می‌شد که می‌فرمودند: «مرحوم عمو دائم‌الذکر بودند».

ایشان شب‌ها مشغول نماز شب بودند و در خواندن نماز شب اهتمام خاصی داشتند.

### محور عزاداری‌ها

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی پدر معنوی منطقه بودند و از این بابت مردم متدین خمینی‌شهر در تمام امور ایشان را الگو و اسوه‌ی خود می‌دانستند، و از طرفی در تمام امور ایشان را در سیر جریانات دینی و مذهبی قرار می‌دادند و امور جاری از قبیل مسائل اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و امثالهم، به نظر این عالم فرزانه می‌رسید. از جمله مسائلی که تحت نظارت تام مرحوم آقا بود مسئله عزاداری‌های مناطق مختلف خمینی‌شهر بود که در تمام امور، ایشان دقت نموده و عزاداران را در مسیر حقیقی این امر هدایت می‌نمودند. اصل فرمایش مرحوم جد، بر این اساس بود که عزاداران در هر اموری که با یکدیگر مختلف‌الرأی هستند، در ایام سوگواری و عزای حضرات معصومین بالأخص، حضرت صدیقه‌ی طاهره سلام الله علیها و مولانا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می‌بایست تمام اختلاف‌ها را کنار گذاشته و با یکدیگر متحد و متفق‌الرأی باشند.

مکرراً در سال‌های اخیر، که ایشان معروض به کسالت بودند عده‌ای برای تضعیف شعائر حسینی اختلاف‌هایی در میان هیئات مذهبی و مساجد مطرح کردند، ولی مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی همان‌طور که در ابتدای جوانی مدیری توانا و مجاهدی دانا بود، با حضور خویش در مجالس عزاداری طرفین، گره‌گشای مشکلات بودند و تا زمان پایان حیات ایشان کسی نتوانست ذره‌ای خدشه به شعائر فاطمی و حسینی وارد سازد.

#### **پایمردی بر احیاء و تداوم شعائر فاطمی و حسینی در منطقه**

مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی اصرار و تأکید شدید در باب تعظیم شعائر ائمه اطهار علیهم‌السلام مخصوصاً حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و مولای دو سرا حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام داشتند.

از این بابت بود که ایشان در این زمینه ثابت قدم و در راستای تعظیم شعائر حضرات معصومین علیهم‌السلام، قدم اول را خود برمی‌داشتند. در سال ۱۳۷۲ هـ در بیت خویش سیزده روز اول ماه محرم، از اذان صبح تا اذان ظهر، مجلس عزاداری برقرار نمودند و تاکنون بحمدالله هر سال هرچه با عظمت، باشکوه‌تر و صفای بیشتر از سال‌های گذشته برگزار می‌گردد.

مجلس عزاداری ایشان به شرح زیر است:

ایام محرم: سیزده روز اول ماه محرم الحرام، از اذان صبح (اقامه‌ی نماز جماعت) تا اذان ظهر: اقامه‌ی نماز صبح، قرائت زیارت عاشورا می‌باشد که جمعیت بیت معظم در حین خواندن زیارت عاشورا درخور توجه است و معمولاً از روز اول از هزاران نفر شروع می‌شود و هرچه به روز تاسوعا نزدیک‌تر می‌گردد، جمعیت انبوه‌تر

می‌شود.

بعد از قرائت زیارت عاشورا، اطعام عمومی (صبحانه) انجام می‌پذیرد و تا ظهر مجلس عزاداری با حضور خطبا و مباحین متبحر ادامه پیدا می‌کند. از باشکوه‌ترین روزهای مجلس بیت معظم له، مراسم روز هفتم دهه‌ی عاشورا است که اختصاص به بیان مراثی وجود مقدس حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام دارد.

زبان فقیر حقیر قاصر از توصیف است ولیکن مجلس بیش از حد متعارف ظرفیت خود عزادار به چشم می‌بیند، به‌گونه‌ای که کوچه‌هایی که منتهی به بیت معظم له می‌شوند تماماً مسدود شده و کوچه‌ها مفروش می‌گردد و علاوه بر کوچه‌ها، پشت بام بیت ایشان هم مملو از جمعیت است که مشغول عزاداری هستند.

از دیگر مجالس باعظمت بیت معظم مرحوم جد، مراسم روز تاسوعا است. در روز تاسوعا، تمامی هیئات مذهبی با سلسله مراتبی که طبق سنوات گذشته تنظیم شده به بیت معظم له ورود کرده، دقائق عزاداری نموده و بعد از پذیرایی با خروج خود شرایط ورود هیئت بعد را محیا می‌سازند. در این قسمت می‌توان مجدداً به جمله‌ی زیر اشاره کرد:

«آیه‌الله حاج سید مهدی امامی بزرگ احیاگر شعائر فاطمی و حسینی بودند».

ناگفته نماند که مسئله عزاداری در بیت معظم له سابقه‌ای نزدیک به ۱۰۰ سال دارد، چرا که از بدو خرید بیت معظم ایشان توسط مرحوم آیه‌الله العظمی حاج آقا میر سید علی امام جمعه سده‌ی برای فرزند خویش مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله، روزهای تاسوعا،

هیئات مذهبی جهت عزاداری در این مکان مقدس ورود داشته و عزاداری می‌کردند.

ایام فاطمیه: در سال ۱۳۸۲ هـ.ش مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در صدد آن برآمدند که مجلس ایام سوگواری حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام (دهه اول جمادی الاخری) را در منزل خویش برقرار کنند. همان‌طور که حقیر متذکر شدم، ایشان در راستای شعائر ائمه اطهار علیهم السلام ثابت قدم بودند و قدم اول را خودشان برمی‌داشتند.

در سال ۱۳۸۲ هـ.ش به مدت ۵ روز بعد از ظهر تا اذان مغرب مجلس عزاداری برگزار کردند و از سال‌های بعد، ده روز ایام فاطمیه سلام الله علیها را که طبق رسم متعارف آن برابر است با ده روز اول ماه جمادی الآخر برگزار نمودند.

**تأسیس هیئت عزاداری «سادات» در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام**  
مرحوم آیه‌الله حاج سید مهدی امامی، بزرگ احیاگر شعائر فاطمی و حسینی، همان‌طور که در خصائص ایشان ذکر کردم، در احیای شعائر، تمام همت خویش را بذل می‌نمودند. فلذا ارادت ایشان سبب تأسیس قافله‌ی عزاداری، تحت عنوان هیئت سادات صبح روز شهادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام مورخ سوم جمادی الآخر بود.

**خصوصیت‌های قافله‌ی عزاداری سادات:** در این روز بزرگ، علمای منطقه و سادات، مقدم بر مردم و با حالت حزن و اندوه، پای برهنه و با شال‌های سبز رنگ در گذرهای محل حرکت نموده و عزاداری می‌کنند.

به حسب فرمایش مرحوم جد (آیه‌الله حاج سید مهدی امامی) که فرمودند عزاداران مادرم زهرا علیها السلام باید در نهایت حالت حزن، اندوه

و عزا باشند. فلذا این عالم فرزانه ابتداءً با پای برهنه، چهره‌ای مستعرق در غم و اندوه در قافله حضور پیدا می‌کردند، تربت پاک مولایشان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) را به محاسن مبارک، پیشانی، عبا و قبا و عمامه‌ی معظم خویش می‌مالیدند و در نهایت تواضع (باز کردن تحت الحنک عمامه) قرار می‌گرفتند و سپس علماء، اساتید، خطبا و مردم اهل ایمان، به تبعیت از ایشان برمی‌آمدند.

### همسر و فرزندان

همسر ایشان دختر مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد مهدی بن سید جواد بن سید اسدالله (اخوی آیة‌الله العظمی حاج آقا میر سید علی امام جمعه سده‌ی) امامی هستند.

مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد مهدی امامی در سال ۱۲۹۳ شمسی در شهر خمینی شهر دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۳۶ هـ.ش دختر خویش را به عقد آیة‌الله حاج سید مهدی امامی در آورده و در سال ۱۳۵۰ ش در شهر اهواز بدرود حیات گفت و در قبرستان علی بن مهزیار اهواز به خاک سپرده شد.

ثمره‌ی این ازدواج ۱۱ فرزند گردید که ۴ پسر و ۷ دختر می‌باشند.

۱- متعلقه‌ی جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالنبی جعفریان (فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید عبدالعلی جعفریان (علیه‌السلام)).

۲- مادر صاحب این قلم، متعلقه‌ی جناب آقای دکتر سید عبدالمجید میردامادی (فرزند مرحوم آیة‌الله حاج سید رضا میردامادی (علیه‌السلام)).

- ۳- متعلقه‌ی جناب آقای مهندس کورش کیانرسی.
- ۴- سلالة السادات جناب آقای سید علی امامی.
- ۵- متعلقه‌ی جناب آقای مهندس محمود نجفی (فرزند مرحوم آیه الله حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی رحمته الله).
- ۶- متعلقه‌ی جناب حجة الاسلام والمسلمین سید رضی الدین مرتضوی لنگرودی (فرزند مرحوم آیه الله سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی رحمته الله).
- ۷- متعلقه‌ی جناب حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد مهدی ارگانی بهبهانی (فرزند مرحوم آیه الله حاج شیخ محمود ارگانی بهبهانی رحمته الله).
- ۸- متعلقه‌ی جناب آقای دکتر مهدی داوری (فرزند حضرت آیه الله حاج شیخ مسلم داوری رحمته الله).
- ۹- حجة الاسلام والمسلمین سید محمد موسی امامی رحمته الله متولی حسینی و تکیه حاج حسن و امام جماعت مسجد جامع فروشان.
- ۱۰- حجة الاسلام والمسلمین سید محمد رضا امامی رحمته الله.
- ۱۱- حجة الاسلام والمسلمین سید نورالله امامی رحمته الله.

## وفات

آیه الله حاج سید مهدی امامی پس از تحمل یک دوره بیماری طولانی که در دهه آخر عمر ایشان اتفاق افتاد و در آخرین سال حیاتشان شدت یافته بود در ساعت ۷:۳۰ صبح روز شنبه مورخ ۲ اسفند ماه ۱۳۹۳ برابر با ۲ جمادی الاولی ۱۴۳۶ در بیت شریفشان در سده اصفهان ندای ارجعی حق را لبیک گفتند و به دیار باقی شتافتند. کالبد مطهرشان در شام شنبه توسط برخی از علماء، تغسیل، تکفین و

تحنيط شد و در ساعت ۳ بعداز ظهر روز يكشنبه مورخ ۳ اسفند، در تشييعي كم‌نظير كه حدود نيم ميليون نفر در آن شركت كرده بودند، از بيت معظمشان به طرف مسجد جامع فروشان سده تشييع شد و پس از اقامه نماز ميّت بر بدن مطهر اين فقيه فرزانه، توسط حضرت آيه‌الله حاج سید مرتضی احمدی در حوالی غروب آفتاب در کنار قبر جد بزرگوارشان، مرحوم آیه‌الله العظمی حاج آقا میر سید علی امام جمعه سده‌ی اعلی الله مقامه الشریف، در مقبره‌ای که ملحق به شبستان مسجد جامع فروشان است مدفون گردیدند. رحمة الله عليه رحمة واسعة

پس از ارتحال ایشان پیام‌های تسلیت فراوانی از طرف مراجع عالی قدر نجف، قم و علمای طراز اول بلاد، به بیت شریف ایشان واصل گردید.<sup>۱</sup>

همچنین مجالس ختم متعددی در مساجد و محلات مختلف سده (خمینی‌شهر) و در شهرهای قم مقدسه (مسجد اعظم)، تهران، اصفهان (از طرف آیه‌الله حاج سید مرتضی مستجابی، آیه‌الله حاج شیخ هادی نجفی و حوزه علمیه اصفهان)، اهواز و سبزوار (از طرف آیه‌الله سید محمدحسن علوی سبزورای) از طرف علمای اعلام و حوزه‌های علمیه منعقد گردید.

## مرثیه و مادّه تاریخ وفات

### ۱- سیدنا المهدي

قصیده و مرثیه و مادّه تاریخ وفاتی است که جناب استاد علامه پژوهشگر و محقق بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف آقای سید

---

۱. تصویر پیام‌های تسلیت در فصل هفتم خواهد آمد.

عبدالستار حسني رحمته الله از عراق آن را ارسال فرمودند. عين دست خط معظم له به شرح ذيل مى باشد:

حوزة النجف تشاطر حوزة اصفهان بمصاب الجلل برحيل  
سماحة آية الله السيّد مهدي الإمامي رحمته الله.  
تاريخ رحيل سماحة آية الله السيّد مهدي الحسيني الصادقي  
الإمامي رحمته الله.

بحر الأبيات من (الطويل)  
قضى آية الباري<sup>١</sup> منار دوي الرشد  
حليف التقى<sup>٢</sup> والاستقامة<sup>٣</sup> والزهد  
سليّل مصابيح الهدى آل هاشم  
ومتّجع الفخر المؤثّل والمجد  
ومن منهم<sup>٤</sup> إرث المكارم حازه  
بأوفى نصيب جاز دائرة (الحد)  
معان<sup>٥</sup> العلا والعز والفضل والندى  
أخو الشرف الوضاح والحسب العد

١. الباري: أصلها: الباري بالهمز وسهّلت الهمزة لمراعاة الوزن.  
٢. الاستقامة بكسر اللام مع ألف الوصل (همزة الوصل) وقد جاءت هنا بقطع الهمزة  
وسكون اللام قبلها لمراعاة الوزن.  
٣. معان الشيء: أصله.

لہ في بني (الديباج)<sup>١</sup> طابت مناسبت<sup>٢</sup>  
 فبورك هذا النسل من ذلك الجد  
 وشاد به (إسماعيل)<sup>٣</sup> صرح مآثر<sup>٤</sup>  
 وكان من الأبناء واسطة العقد  
 نعا لنا الناعي فاشجى قلوبنا  
 فللهفي عليه يوم ووري في اللحد  
 فليله من رزء جسيم برزء من  
 به عظمت في الناس فاجعة الفقد  
 وذى أرض (جى)<sup>٥</sup> عمها وجد والأسى  
 غداة مضى عنها إلى جنة الخلد

١. الديباج هو محمد ابن الإمام الصادق عليه السلام وسيدنا الفقيه من ذريته. وفي العلويين (ديباج) آخر هو إسماعيل ابن إبراهيم الغمر ابن الحسن المثنى ابن الإمام الحسن السبط عليه السلام وهو جد السادات من بنى معية وآل طباطبا.
٢. مناسبت: ممنوعة من الصرف وصرفت هنا لمراعاة الوزن.
٣. إسماعيل هو العلامة النسابة الباسط المشجر السيد الشريف القاضي المروزي صاحب كتاب «الفخرى» وغيره من المؤلفات، وعنه أخذ الفخر الرازي الشافعي الأشعري المتكلم الشهير أنساب العلويين وله ترجمة حسنة مبسطة في كتاب «معجم الأدباء» لياقوت الحموي المتوفى سنة (٦٢٦ق) وكان من معاصريه.
٤. مآثر: ممنوعة من الصرف، وصرفت هنا لمراعاة الوزن.
٥. (جى) من أسماء إصفهان القديمة.

وَمُنْذُ اسْتَعْنْتُ الْفَرْدَ أَرَحْتُ: (أَمِنًا)

بِجَنّاتٍ خُلِدَ حَلِّ سَيِّدُنَا الْمَهْدِيِّ

٩٠+١٢٥+٣٨+٦٣٤+٤٥٦

+٩٢

سنة ١٤٣٦ هـ.ق

مع الشكر الوافر مشفوعاً بجميل الثناء وخالص الدعاء لسماحة  
آية الله الفقيه المحقق الأخ الأستاذ والشيخ هادي النجفي دام ظلّه الذي  
نبّهنا علي ذلك ونحن في العراق.

النجف الأشرف

الأقل عبدالستار عفا عنه الملك والغفار

## ٢- فخر بلاده

مرثيه و مادّه تاريخ ارتحال عالم رباني مرحوم آية الله حاج سيّد  
مهدي امامي عليه السلام است كه توسط فاضل ارجمند استاد جناب آقاي ميرزا  
محمد حسن ارگاني بهبهاني دام الله سروده شده است:

لهفي على مهديّ بيت العلم إذ

أذن القضاء بهجره وبعاده

قد مات في يومٍ نعيّ صباحه

أورى صرام النار في أكباده

(السيد المهدي) من (آل الإماما

م) باصبهان مشى بزاد معاده

من نسل أمجاد يسود ربيهم

بعريق أسرته وطيب مهاده

أعظم به من سيد متفرد  
في حسن محضره ووعى فؤاده  
جمع التّحنن والبكا والرّفق في  
علياء سؤدده وعُظم جهاده  
العالم الفدّ الشريف، المرتجى  
لشدائد الأيام ركنُ عماده  
ما هزّ من ريب الزّمان ولا ارتضى  
بمهابط التسليم علو سداه  
فإنّ الشعائر في أعزّ حمائها  
حين ابتلى لولائه ووداده  
عمّ البلاء به فجاهد صابراً  
في حفظ دين الله من حسّاده  
لبى نداء الله طهراً طاهراً  
بُشرى له في موته ومعاده  
قدّم الحسين موافياً إذ فيه قد  
أفنى جميع طريفه وتلاده  
طوبى لمضجعه الشريف وجارّه  
الجدّ السعيد ومرحباً برقاده  
اليوم يبكي فقدّه أهلّ الولا  
ويعظّم التكريم من أولاده  
قد حقّ للبلد النداء بموته  
حتّى يعمّ صّداه وُسع سواده

فبمتهی «الأرزاء» یهتف معلناً

«وَنَعَى الزَّمانَ رَحیلَ فخرِ بلادِهِ»

۱۴۳۶=۱+۱۴۳۵

### ترجمه‌ی فخرِ بلادِهِ

- داغ‌دار گردیدیم به مصیبت سید مهدی از بیت علم که روزگار او را از ما گرفت و هجرت نمود.
- صبح روزی رفت که آوای هجران او شعله‌های آتش را در دل همگان برافروخت.
- آری سید مهدی از خاندان امامی که با توسعه‌ی آخرت خویش رهسپار گردید.
- او از نسل بزرگ مردانی بود که تربیت یافته‌ی دامان آنان، به سیادت و بزرگواری می‌رسد.
- چه بزرگ‌مردی که دارای محضر نیکو و دل بیدار بوده و یگانه بود.
- او با عظمت و بزرگی خود، مهربانی و رأفت را همراه کرده بود.
- عالمی بزرگ و دانشمندی سترگ که در سختی‌های روزگار تکیه‌گاه بود.
- در پستی و بلندی روزگار، قد، خم نکرد و با همت بلند تسلیم مشکلات نشد.
- شعائر دین را در والاترین جایگاه خود صیانت نمود.
- گرفتار مشکلات دنیا گردید لیک استوار بود.
- نداء دعوت خدا را لیک گفت در حالی که پاک و پاک‌زاد

بود و بشارت باد او را در مرگش و آخرتش.  
- بر حسین علیه السلام مهمان گردید که تمام آنچه داشت از قدیم و جدید را در راه او داد.  
- مبارک باد بر او مرقد شریفش که در همسایگی جدّ سعیدش (مرحوم آیه‌الله آقا میر سید علی سدهی) قرار گرفت.  
- امروز اهل ولایت بر فقدان او گریانند و فرزندان را تکریم می‌نمایند.  
- سزاوار است که شهر، آوای رحلت او را سر دهد، به گونه‌ای که صدایش اطراف را پُر کند.  
- با حرف آخرین مصیبت‌ها (ازراء) «ء» اعلام کن که زمانه، رحلت افتخار خویش را فریاد کرد.

### حسن ختام

در پایان به عنوان حسن ختام غزلی را که در وصف مرحوم جد (آیه‌الله حاج سید مهدی امامی) سروده‌ام را تقدیم می‌کنم:  
یاد باد آن سخن دوست که بر دل‌ها بود  
یاد باد آن مه خوبان که چه خوش سیما بود  
قبله‌اش روی حسین، کعبه‌ی او روی حسین  
دائم الذکر به نام شه بی‌همتا بود  
نیست اغراق که گویم پدرم در همه عمر  
پای او جای قدم‌های بنی الزهرا بود

از سویدای دلش بذر محبت لبریز  
عشق او وسعت صحرا و دلش دریا بود<sup>۱</sup>  
ای خوش آن عاقبت کار که در وقت عروج  
دل حسینی‌تر و چشمش به رخ سقا بود  
سینه‌اش سینه‌ی طور و نگهش صیهی نور  
آن که بی‌فیض عصا بر همگان موسی بود  
دیده تر، سینه سپر، شیرجگر، دست به کمر  
(هستی) اش در گرو نوکری مولا بود  
تسع آیات وفایش به لقا کامل گشت  
روز تشییع که خود جلوه‌ی عاشورا بود

---

۱. تضمین از غزل (تنها).

پیام تسلیت مرجع عظیم الشان جهان تشیع  
حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی  
به مناسبت ارتحال جانگداز عالم ربانی فقیه صمدانی مرحوم آیت الله حاج آقا مهدی امامی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله و إنا إليه راجعون

رحلت عالم ربانی، اسوهی زهد و تقوا و معلم اخلاق، سلالة السادات فقیه سعید حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مهدی امامی رضوان الله تعالی علیه، موجب تأثر و تأسف شدید گردید. آن روحانی پارسا از مدافعان مذهب حقهی جعفری و از موالیان و سرایان با اخلاص آقا و مولای خود حضرت یقیه الله الاعظم ارواحنا فداه بود. علاقه و ارادت خاص آن مرحوم به ساحت مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام فراموش نشدن است. اینجانب رحلت این عالم متقی را به حضرات علمای اعلام و بیت مکرم به ویژه آقازادگان معزز و دامادهای محترم و اهالی متدین و ولایتی خمینی شهر تسلیت عرض نموده، علو درجات برای آن فقیه سعید و صبر جمیل و اجر جزیل برای بازماندگان شریف از خداوند متعال مسألت دارم.

۲ جمادی الاولی ۱۴۳۶

لطف الله صافی



پیام تسلیت شیخ المراجع آية الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی  
گلپایگانی دام ظلّه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر  
حضرت آية الله العظمى  
آقای حاج سید علی حسینی بهستانی مدظلّه

تاریخ.....  
شماره.....  
پیوست.....

إذا مات العالم تلم في الإسلام ثلثة ، لا يسدها شيء إلى يوم القيامة

با کمال تأسف و تأثر در گذشت عالم پرهیزکار آية الله  
حاج سید مهدی امامی سدهی به حوزه های علمیه و بالأخص  
حوزه علمیه اصفهان و مردم محترم آن خطه و خانواده معزز  
ایشان تسلیت عرض می نمائیم.  
خداوند به بازماندگان آن فقید سعید صبر و اجر به آن عالم  
فرزانه در اعلا علین درجات رفیعة در کنار اجداد طاهرینش  
عطا فرماید.

جواد شهرستانی

ایران - قم - ص. ب. ۳۷۱۸۵/۳۵۱۴

پیام تسلیت دفتر مرجع عالیقدر حضرت آية الله العظمی حاج سید علی  
حسینی سیستانی دام ظلّه

پیام تسلیت مرجع عالیقدر حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ حاج سید محمد علی  
علوی گرگانی دام ظلہ

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِلَيْهِ رَاجِعُونَ

۱۰۱) در حقیقت توبه، نهادهای عالی و صاحب حجت حقیقی و دروغ و خیال و رسم و آرا و انحصار  
مردمان خود حضرت تقی علیهم السلام است و در این باره صاحب کتاب گفته اند: «فقد

انجانب رحلت ابن عبد العبدانی را بہ حضرت عدای اعظم ربیب معظم و اہالی مدینہ  
دولائی حمی شہر سلسلہ و تکریم عرض غفرہ ، علو درجات را امان ہند سکند

و صبر جميل و اجر جلیل برای بازماندگان شریف نزد خداوند تعالی مسألت کردم

محمد عبد الوهاب  
سيد محمد عبد الوهاب

۲ جاری الاولی ۱۴۳۶

پیام تسلیت آیۃ اللہ العظمیٰ حاج سید محمد مہدی موسوی خلخالی (دام ظلہ)  
صاحب کتاب فقہ الشیعہ و اصول فقہ الشیعہ (ساکن مشہد مقدس)

بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الرَّحِيمِ

أَمَّا لَكُمْ دَانَا أَلَمْ يَرَاكُمْ

اَرْتَمَالَ آيَةُ اللَّهِ أَنْ حَاجَّ سَيِّدُهُ إِذَا مَيَّ (فَكَرَّرَهُ) مَوْجِبَةً لَمْ وَفَّاتُكُمْ كَوْنًا

این تقدیم بعد از عرض شریف خود را در لایم تعلیم و تربیت عدد کثیری از طلاب علوم دینی شگفتان  
امام صادق علیه السلام و جوانان مؤمن و متدین و سالاری و لایم، و آئینه شایسته اهل بیت عصمت  
و کمالات علیهم السلام مخصوصاً شایسته سید شباب اهل بیت حضرت امام حسین علیه السلام با اقامت جشن عظیم  
تا آخرین لحظات عمر، حتی در این چند ساله اخیر با شدت کسالت و کمالات و ابتلاء و با فرض عذره لایم  
امروز مولایم اوج عظیم الهی (جلت آلاءه) و استقبال اجداد و طوایف بنیادین با لایم حضرت سید الشهداء  
خداوند شد.

با امید افتخار و مؤمنین گرامی و مؤمنات مکرمه مخصوصاً طلاب عزیز و کرام علیهم مقدسه بایشان، و عرض  
تقریب به علای اعظم و عزیز علیهم مخصوصاً محضره عظیمه اصفهانی و بیت شریف بریده آن لایم کان اعزّه و  
داماد کرامتیم از دوماه با رسدالی علو درجات آن تقدیم بعد و عتاب معظم از تمام شایخ تقدیم آئینه العظم امام زمان  
هدی و کرمه علی الله تعالی و بعد از شریف لا یرا زنگنه سالت دارم

صمد شیرازی

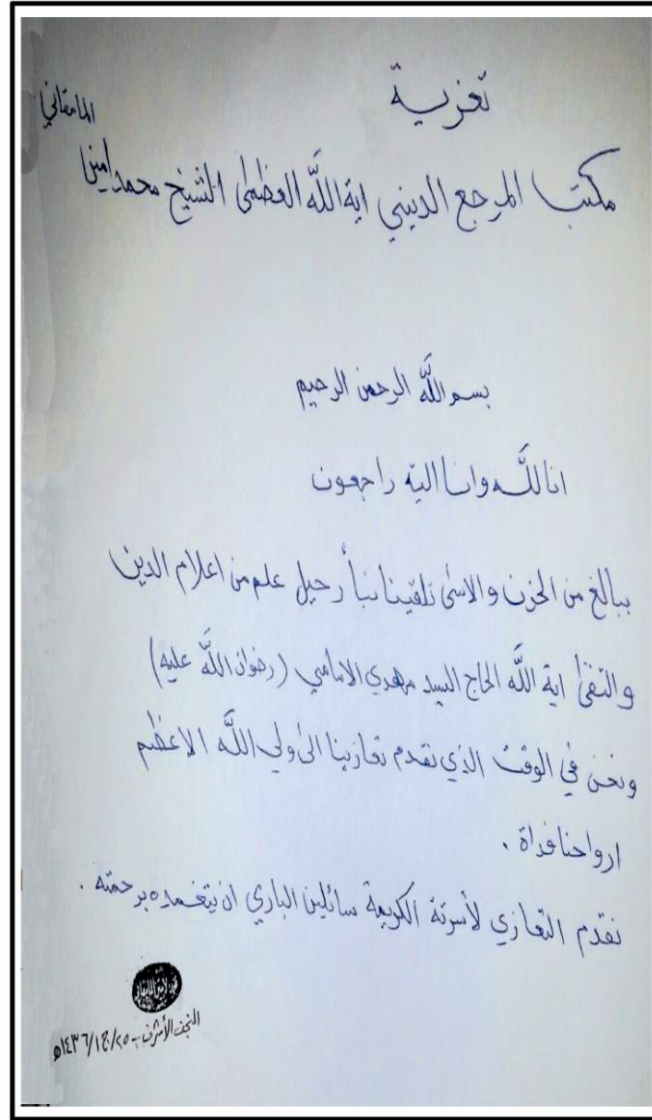


کرم چادر الله  
۱۴۴۶ هـ

پیام تسلیت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج سید  
صادق حسینی شیرازی دام ظلته

پس از تسلیم و سبک به کلیه افراد مکرم و گرامی که این  
 نوشته برای معظم لهم قرائت میبود: در ساقا آخر  
 مسجود شد ارتقای حضرت مستطاب آیت. افکار  
 آقا سید مهدی امامی مدحی و تدیس شریه و علیه السلام  
 و الرضوان که ایشان دارای شخصیتی بارز بودند  
 و افتخار جزایق از شخصیت از خانواده علمی که در  
 مجموع جدا از این مقام و الدی بودند و  
 این پیش آمد ناگوار که در درجه اول به کلیه  
 فرزندان معظم بخصوص بزرگ فرزندان و گرامی  
 ایشان و به تمام فامیل و اقربا عظام و سپس  
 به کلیه اجله و علما اعلم اصحاب و سده و به  
 دیگران از مرتبه من تسلیم عرض نموده و  
 امید کل مسئول عنایات پایان نپذیر ما شد  
 والسلام علیه وعلیهم ورحمة... ویرگانه السید محمد حسن  
 ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ ۱۳۹۳/۱۳/۱۳ ۱۴۳۶/۵

پیام تسلیت حضرت آیه الله حاج سید محمد حسن علوی سبزواری دام ظلّه



پیام تسلیت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد امین  
مامقانی دام ظلته (از نجف اشرف)



**مكتب كاشف الغطاء**  
العراق - النجف الاشرف

العدد: ١٠٠٣ / ب  
التاريخ: ٢٥ / ٢ / ١٤٠٥ هـ

الحمد لله الذي جعل العلماء ورثة الأنبياء ورفع درجات العاملين منهم في أعلى عليين فمن قفاهم واقتدى بهديهم صار عند الله (رضي الله عنه) من المقربين في دار السلام المنعمين في فرديس الخلد ومن اتبع هواه وصد عنهم قرين في قبره مع الشياطين وخير في اتباع إبليس اللعين وكان مصير أمره إلى سجين.

والصلاة والسلام من فضل مداد العلماء على إيماء الشهداء الذي أنقذ به البرية من تلك الأدواء الدوية، وعالج برسالته كافة الأمراض البشرية، وتكسب بدعوته الزايات الشيطانية، ومحا بأخلاقه شريعتهم الشعاراث الجاهلية.

وعلى إله السادة الحكماء والقادة العلماء، الذين قاموا مقامه في نشر كلمة الله، وأقنوا أعمارهم في مرضاة الله، ونصخوا جهدهم لعباد الله، وعلى من تمسك بأذيالهم من المتقين الصالحين واتبع مسلكهم من العلماء العاملين، صلاة دائمة إلى قيام يوم الدين.

لقد قبض سبحانه وتعالى نفراً من المؤمنين في كل بلد وقبيلة وصقع ليتفرغوا في تفقهوا في الدين ويكونوا نذرا للناس من معصيته، وأدلاء على طرق طاعته، مبينين لأحكامه، مروجين لشريعته ومنهم سماحة الحجة آية الله العلامة السيد (مهدي الإمامي الصادقي الديباجي) الذي قضى حياته العلمية مجاهداً في الله سبحانه، مرشداً لعباده، ناصحاً للمؤمنين، كافاً لشربه عن الناس مغيضاً لخيره عليهم، متحملاً الأذى من الجهلة منهم، حتى مضى لربه ميمون النقية، حسن السيرة ما أثلته الفاقة، وما أبطرتة النعمة، فإنا لله وإنا إليه راجعون، تغفده الله برحمته، وأسكنه فسيح جنته، وأصعد بروجيه وعمله إليه، مصيبة تحملناها في الله وصبرنا عليها طلباً لرضاه، وتسلماً لقدره ورضاه. والهه ذويہ الصبر والسلوان، وجعلها خاتمة الأحزان، وأسأل الله بجاه من أئدنا بجواره مولانا ومولى الثقلين أمير المؤمنين علي ابن ابي طالب (عليه السلام) أن يحفظ الباقيين وينفع بوجودهم شريعة سيد المرسلين ولا حول ولا قوة إلا بالله.



الراجي عفو ربه  
عباس كاشف الغطاء

المدرسة المهدية الدينية/النجف الاشرف

www.kashifalgetaa.com  
info@kashifalgetaa.com

Mob: 00964 - 7801006730  
Tel: 00964 - 33 - 333081

پیام تسلیت حجة الاسلام والمسلمین دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء دام ظلہ العالی  
به نمایندگی بیت بزرگ کاشف الغطاء (از نجف اشرف)



پیام تسلیت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد کرباسی دام عزه  
 به نمایندگی بیت حاجی کلباسی رحمته الله (از نجف اشرف)



**وله الحمد والمجد**

**مكتبة آية كاشف الغطاء العظمى**

بسمه تعالى

العدد: ١٧٩  
التاريخ: ١٤٣٦/١ ج ٦

قال الإمام علي (عليه السلام): إذا مات العالم تلم في الإسلام ثلثة لا يسدها إلا خلف منه.

بمزيد من الحزن والأسى نعي أسرة آل كاشف الغطاء سماحة آية الله العلامة السيد مهدي الإمامي الأصمعياني (تعمده الله بوافر رحمته).

ونسأله تعالى أن يلهمنا أهله وذويه الصبر والسلوان.

**مكتبة الإمام محمد الحسین آل كاشف الغطاء العظمى**

النجف الاشرف - العراق  
استست سنة ١٤٣٠ هـ - ١٤٣٢ هـ

الشيخ شريف الشيخ محمد الحسين آل كاشف الغطاء  
وأولاده

الخميس/ج ١/١٤٣٦ هـ

نقار: ٠٠٩٦٤ - ٠٠٩٦٤ - ٣٣١٤٤ / ارضي: ٠٠٩٦٤ - ٠٠٩٦٤ - ٣٣١٤٤

www.kashefalghtaa.com/site  
info@kashefalghtaa.com  
kashefalghtaa@gmail.com

العراق - النجف الاشرف  
محلة العمارة - ملاصق لمدرسة الإمام كاشف الغطاء الدينية  
ومسجد ومقبرة آل كاشف الغطاء (قد).

پیام تسلیت استاد شیخ محمد شریف کاشف الغطاء رئیس کتابخانه عمومی  
مرحوم آية الله امام حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء رحمته الله از نجف

بسمه تعالی

در محال ملکوتی عالم ربانی احیاگر رشتۀ حسنی  
مرحوم آیة الله حاج سید مهدی حسینی امامی مهدی مدینه  
موجب تأسف و تأثر گردید

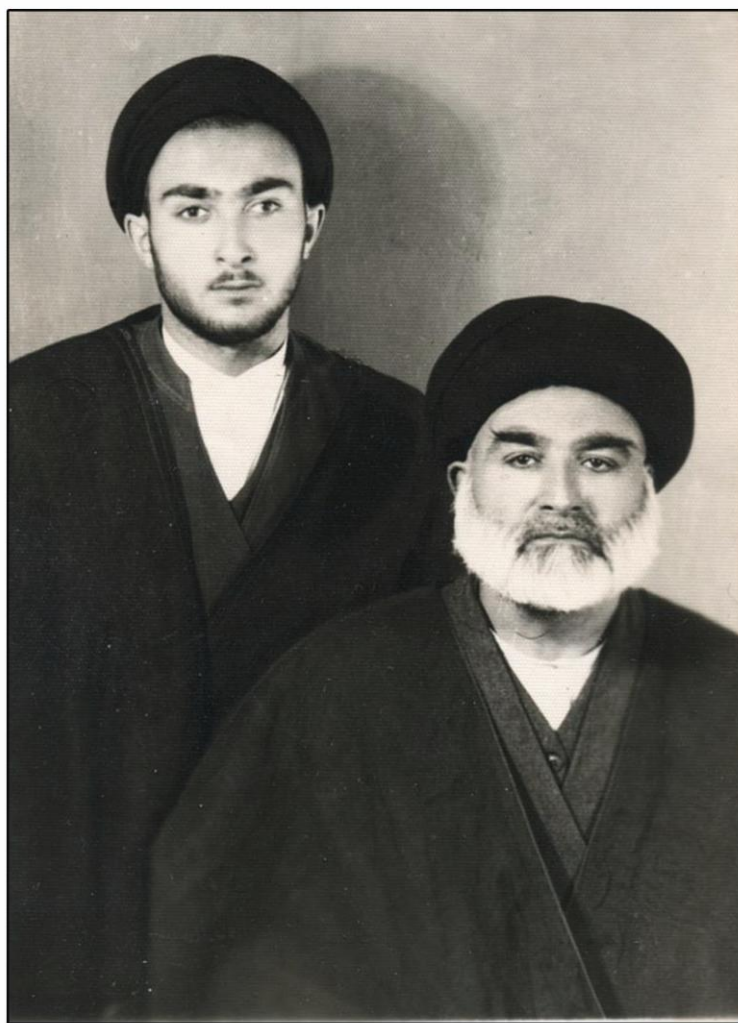
ضمیم عرض تسلیت بمحرم مرمین و علماء اعلام و کرام  
بخصوص آقا زاده های معزز و رانادها های گرامی از  
درگاه خداوند تعالی علو درجات آن فقید سعید  
مسکنت و صبر جمیل و اجر جزیل برای بازماندگان  
خواستاسم

سید محمد سعید

۲ جمادی الاولی ۱۴۰۳



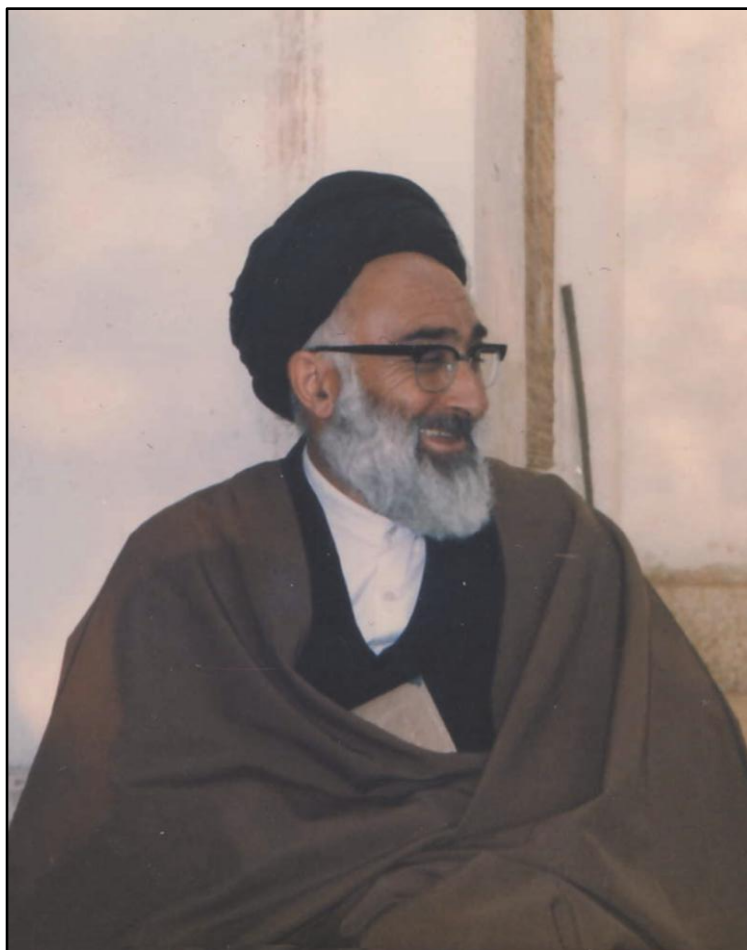
پیام تسلیت آیة الله حاج سید جعفر سیدان دام ظلّه از مشهد مقدس



آیه‌الله حاج سید مهدی امامی در دهه‌ی دوم عمر در معیت پدر  
بزرگوارشان آیه‌الله حاج آقا نورالله امامی



در دهه‌ی سوم عمر



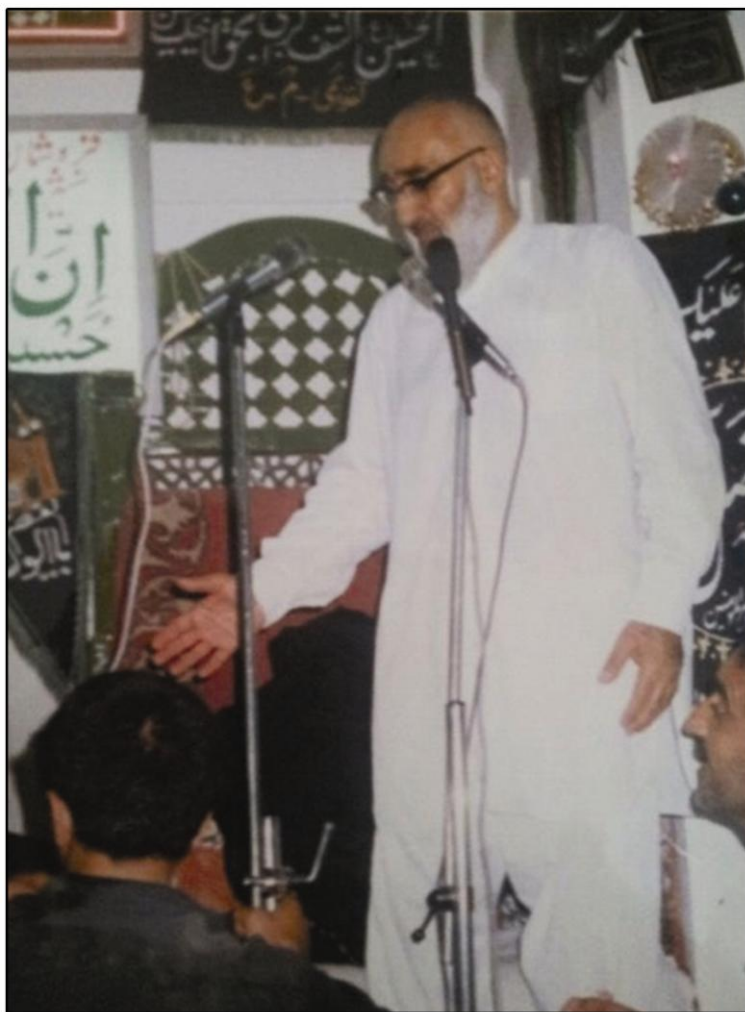
در دهه‌ی چهارم حیات



در دهه‌ی پنجم زندگی



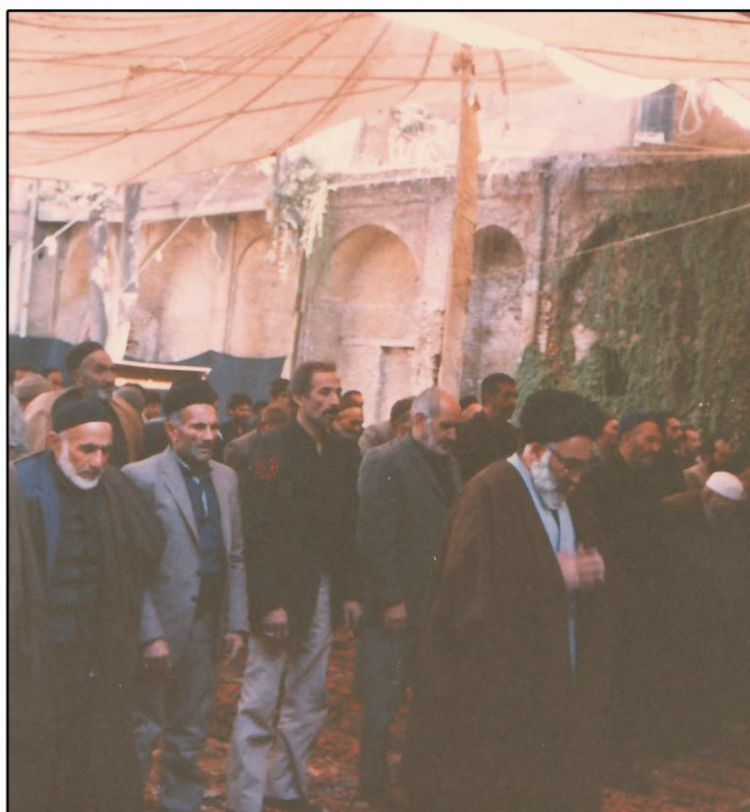
در حال سخنرانی در مسجد جامع فروشان،  
شب عاشورای حسینی علیه السلام در سن حدود پنجاه سالگی



شب عاشورای حسینی علیه السلام در دهه‌ی پنجم عمر



در دهه‌ی ششم عمر



اقامه‌ی نماز جماعت در حسینیه فروشانی‌های مشهد مقدس که توسط  
ایشان خریداری و وقف گردید



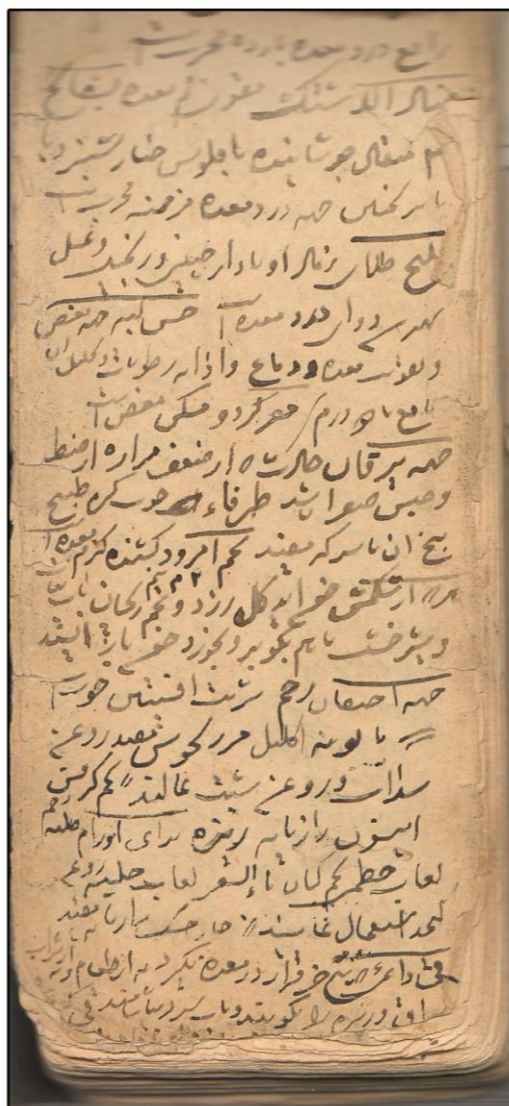
دهه‌ی هفتم عمر



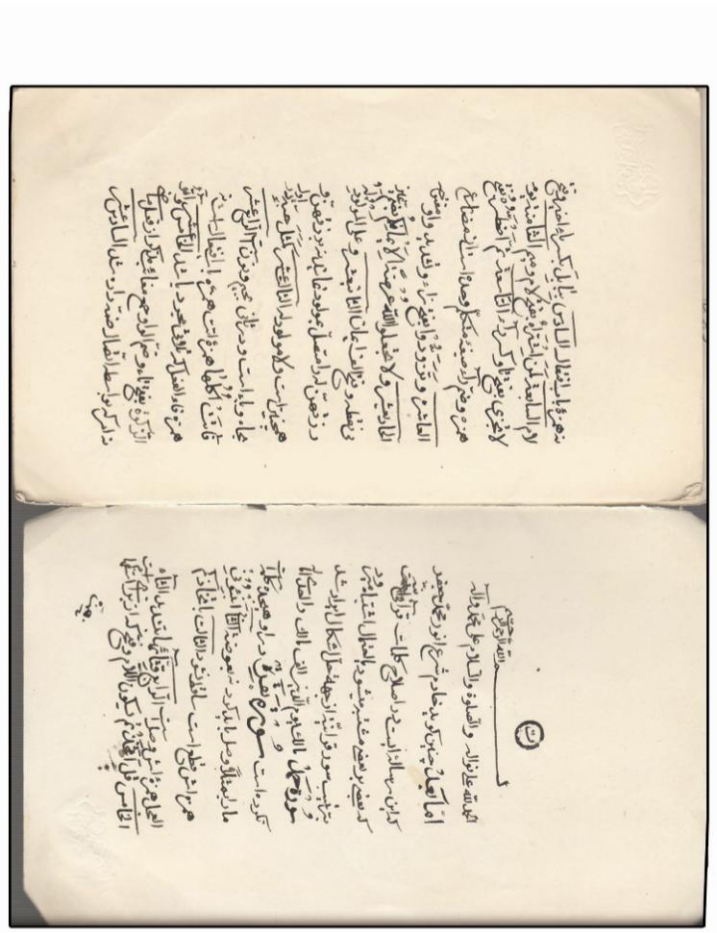
دهه‌ی هشتم حیات



چند ماه قبل از ارتحال در کنار مؤلف



کتابی در علم طب، ادعیه، ختومات و علوم غریبه  
تألیف: آیه الله العظمی حاج میر سید علی امام جمعه سدهی <sup>۱۲۸۰</sup> ق



کتاب اعراب الآيات

تأليف: آية الله العظمى حاج مير سيد علي امام جمعه سدهى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ  
 الْأَعْلَى الْجَبَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغْنَمٍ  
 أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِلْفَيْحِ الْجَمَّةِ انْفُتِحَتْ وَإِذَا دُعِيَ  
 بِهِ عَلَى مَصَابِيحِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْمُفْرِجِ الرَّجْمَةِ  
 انْفُتِحَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعِصْرِ لِلْمُسَرِّبِ  
 وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلْمُسَوِّمِ  
 وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى كَسْفِ النَّاسِ وَالْقُرَى  
 انْتَفَعَتْ وَحُلُلُوكَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ الْوَجْهَ الْوَجْهَ  
 وَأَعْرَ الْوَجْهَ الَّذِي عَسَلَهُ الْوَجْهَ وَحَصَعَهُ  
 الرِّفَاتِ وَحَصَعَهُ الْأَصْوَابَ وَوَحَلَتْ  
 لَهُ الْقُلُوبَ مَحَامِلَ وَنَقُولُ الْفِي مَسَكِ  
 بِهَا السَّمَاءُ أَنْ يَمُوتَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِكَ  
 مَسَكِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ يَمُوتَ إِلَّا بِكَ  
 يَا بَارِئُ أَمْسِكْهُمَا مِنْ أَحَدٍ بَعْدَكَ وَمَسْكُوكُ

کتابی دیگر در علوم غریبه، طب و توسلات و ختومات  
 تألیف: آیه الله العظمی حاج میر سید علی امام جمعه سدهی ۱۰۰۰



[illegible]